



طراحی الگوی مفهومی تربیت مبتنی بر دیدگاه امام رضا (ع)

رابعه هراتی^۱ | علیرضا محمودنیا^۲ | اکبر صالحی^۳ | سوسن کشاورز^۴

چکیده

امروزه یکی از نگرانی‌های جامعه در باره چگونگی تربیت است. در این راستا، هدف اصلی این پژوهش طراحی الگوی مفهومی تربیت بر اساس دیدگاه امام رضا(ع) است. روش پژوهش، تحلیل محتوا با رویکرد کیفی و استنتاجی است. واحدهای بررسی این پژوهش اسناد و متون مرتبط با حوزه تربیت از منظر امام رضا(ع) بوده است. بر اساس یافته‌های پژوهش ده مبنا، پنج اصل و هفت روش به دست آمد که الگوی مفهومی تربیت را ترسیم نمود. در این الگوی تربیت، اصول شامل رعایت خدامحوری، ارتقای روحیه و انگیزه، توجه به سلامتی جسم و روح، اخلاق‌مداری و تعامل مؤثر با جامعه تعیین گردید. روش‌های متناظر با اصول شامل شناخت زندگی سعادتمندانه و هدفمند، روش تربیت مبتنی بر عمل، بهره‌گیری مسئولانه از طبیعت، درک اهمیت سلامتی و تعادل جسم و روان، نهادینه‌سازی فضایل اخلاقی، خویش‌داری و پرورش هویت اجتماعی بود. معرفی الگوهای تربیتی شایسته و شیوه‌های تربیت صحیح در خانواده، از طریق سیاست‌گذاری در نهادهای تربیتی مانند رسانه و کاهش فاصله میان سخن و عمل الگوهای تربیتی، ازجمله پیشنهادهای کاربردی این پژوهش است.

کلیدواژه‌ها: الگوی مفهومی؛ تربیت؛ دیدگاه امام رضا(ع).

۱. نویسنده مسئول: مربی، گروه علوم تربیتی، پردیس شهید هاشمی‌نژاد، دانشگاه فرهنگیان، مشهد، ایران.

Ra_harati@yahoo.com

۲. دانشیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۳. دانشیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۴. دانشیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

با دقت در طبیعت و بافت وجودی انسان، ریشه‌های ضرورت و اهمیت تربیت را بهتر درمی‌یابیم؛ چراکه در نفس آدمی با آنکه گرایش به خیر و شر نهفته است و زمینه‌های صعود و سقوط در نهاد او قرار داده شده است تکامل انسان نیازمند تلاش و توجه و حرکت است، و اگر او را رها کنند و به خود واگذارند، انحطاطش شروع می‌شود (کاردان و همکاران، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۹). در مسیر تربیت و تعالی انسانی، تأثیر الگوها را نمی‌توان نادیده گرفت. درواقع انتخاب الگوی تربیتی صحیح، یکی از شیوه‌های مؤثر در تربیت انسانی است. در حال حاضر یکی از معضلاتی که هزینه‌های مادی و معنوی گزافی را بر خانواده و جامعه تحمیل کرده است، انتخاب الگوهای ناصحیح و به دنبال آن آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی است. هرروزه شاهد معرفی الگوهای برای افراد مختلف در جامعه هستیم که اگرچه این الگوها در رسانه یا جامعه الگوهای شایسته‌ای از یک انسان تکامل یافته و تربیت شده را نشان می‌دهند، در حقیقت این گونه نیست؛ زیرا وقتی در قعر ماجرا وارد می‌شوی تا چهره واقعی این الگوها را درمی‌یابی، متوجه می‌شوی موضوع چیز دیگری است و درواقع مشکلات تربیتی نمایان می‌شود. در نظام‌های تربیتی نیز این گونه است.

متریانی که وابستگی و ترس، محور اصلی زندگی آن‌ها شده و آن‌ها را از پذیرش حرکت‌های شجاعانه و حماسی، همچون: مسئولیت‌پذیری، استقلال از والدین، مقابله با تابوهای اجتماعی، اقدام و عمل در کارهای خداپسندانه مانند: جهاد، عمل به دستورات دین و رد کردن دعوت و وسوسه‌انگیز شیطان، اخلاق‌مندی و رهایی از عافیت‌طلبی که از اهم مشکلات امروزی است، باز می‌دارد (خوشناموند و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۷۸). علاوه بر آن، سنت‌ستیزی و نفی ارزش‌های معنوی و اخلاقی در فرایند عقلانی‌سازی، به‌نوعی تکثرگرایی معرفتی انجامیده و انسان را از ارزش‌های متافیزیکی و اخلاقی بی‌نیاز می‌بیند. از طرفی شواهد مبنی بر رشد ۱۵ درصدی سالانه آسیب‌های اجتماعی از قبیل: قانون‌شکنی، بحران هویت، افزایش جرائم جنسی، آمار چشمگیر سقط جنین، خشونت و پرخاشگری، مشکل تحدید نسل، طلاق، اعتیاد، از خودیگانگی و سرگشتگی فرهنگی، سوءاستفاده از فناوری، عدم وجدان اخلاقی و تعهد کاری (مظاهری، ۱۳۹۴) و آسیب‌های این چنینی پرسش چگونگی الگوهای تربیتی را درباره انسان در هر جایگاهی مانند:

پدر، مادر و فرزند مطرح می‌کند؛ هرچند در تربیت فرد عوامل متعددی دخیل هستند. خانواده، معلمان، دوستان، امامان معصوم (ع)، دانشمندان و چهره‌های مطرح رسانه‌ای و هنری در تربیت انسان می‌توانند نقش داشته باشند. اما در این مقاله تمرکز نویسنده بر خانواده است که در سازندگی شخصیت انسان نقش اساسی دارد. درواقع محیط خانواده یک محیط تربیتی مؤثر است و بیش از همه پدر و مادر قادرند این محیط را سازنده و پرورشی کنند؛ اگرچه خواهران و برادران نیز در تربیت انسان سهمی دارند. دشواری امر تربیت در خانواده، به‌عنوان اولین عامل تربیت، تهدیدی جدی برای سلامت جسمی و روحی فرزندان و سرمایه‌های انسانی کشور است. تربیت صحیح در خانواده اقدامی مؤثر در اصلاح نابسامانی‌های جامعه است و موجبات رشد و تعالی انسان‌ها را فراهم می‌کند. برای حل مسائل تربیت در خانواده، ورود به حوزه شناختی در مباحث تربیتی اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا در دنیای مدرن با پیچیدگی‌های روزافزون، توانایی برای اصلاح جامعه، منوط به تعلیم و تربیت صحیح در خانواده خواهد بود و هرگونه رفتار انفعالی خانواده در این باره، افراد خانواده و به‌ویژه کودکان و نوجوانان را به‌سوی ضلالت و گمراهی سوق می‌دهد. تربیت صحیح به ارتقای کیفیت زندگی می‌انجامد. در نظام تربیت اسلامی، خانواده محلی مناسب برای عرضه بایدها و نبایدهای مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و ملی محسوب می‌شود. این ارزش‌ها ملهم از آموزه‌های قرآن کریم و برگرفته از نقش معنوی و تربیتی اسوه‌های هدایت پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصوم (ع) است. ازجمله سیره امام رضا (ع) در بحث تربیت، جلوه‌ای از تحقق مراتب حیات طیب و زمینه‌ساز شکل‌گیری هویت انسانی است.

الگو مفهوم گسترده و وسیعی دارد که هم در علوم تربیتی و هم در علوم اجتماعی و نیز در روان‌شناسی کاربرد فراوان دارد. اصولاً الگوی تربیتی در حوزه تعلیم و تربیت استفاده می‌شود. در قرآن واژه الگو با عنوان «اسوه» یک بار در سورة احزاب (۳۳)، آیه ۲۱ درباره پیامبر (ص)، و دو بار در سورة ممتحنه (۶۰) در آیات چهار و شش درباره ابراهیم خلیل (ع) و همراهان او آمده است. موضوع الگوهای تربیتی از مهم‌ترین مباحث کلیدی و کاربردی در تعلیم و تربیت است. در عرصه تعلیم و تربیت از دو دیدگاه می‌توان به الگو نگریست: یکی از دیدگاه مصداقی و دیگری از دیدگاه مفهومی (بناری، ۱۳۹۷: ۴۳). از لحاظ مصداقی، «الگو به شخصیتی گفته می‌شود که به سبب دارا بودن برخی خصوصیات شایسته، مورد تقلید و پیروی است» (قائم‌مقدم، ۱۳۸۲: ۲۶). از لحاظ

مفهومی، الگو به طرح و نمونه یا مدلی از شکل یا اشیا یا موردی از رفتار اطلاق می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۶۴۰). برخی نیز گفته‌اند: الگو نمونه عینی و مشهود یک فکر و عمل در ابعاد گوناگون است که برای رسیدن به کمال، از سوی دیگران پیروی می‌شود (مهدی‌زاده، ۱۳۸۲: ۸۵). رسالت پژوهشگر در طراحی الگویی مطلوب را باید «تلاش برای کاهش ناهمخوانی» یعنی تفاوت میان وضعیت یا حالت دریافت شده^۱ توسط تحلیلگر با وضعیت مطلوب^۲؛ یعنی اهداف خلاصه کرد. به بیانی دیگر پیامد طراحی الگوی مطلوب، شناخت ناهمخوانی‌ها، شکاف‌ها و تفاضل میان اکنون و آینده مطلوب است. اهمیت اصلی طراحی الگوی مطلوب در کشف ناهمخوانی‌های موجود و به‌خصوص ناهمخوانی‌های مزمن است (هرمان، ۱۳۹۳: ۲۷۳).

در این پژوهش منظور از الگوی مفهومی تربیت، الگوی مثبت و حقیقی است و در اصطلاح به نمونه‌ای اطلاق می‌شود که پیروی و تبعیت از آن، فرد را به‌سوی سعادت رهنمون می‌کند. بدین منظور محقق الگوی مطلوب که در گذشته تحقق خارجی داشته و سنت و روش زندگی او در جامعه از درخشش خاصی برخوردار بوده است، معرفی می‌کند (امام رضا(ع))، و درنهایت چهارچوبی از الگوی مفهومی تربیت ارائه می‌کند. مراد از چهارچوب، طرح و سبک رفتاری در زندگی است که امام رضا(ع) به‌مثابه پیشوا، در خانواده و جامعه در تعامل با دیگران به کار می‌بردند.

درباره مفهوم تربیت تنوع وسیعی از تعاریف وجود دارد. افلاطون (۳۴۶-۴۲۷ ق.م) در تعریف تربیت گفته است: تعلیم و تربیت عبارت است از کشف استعدادهای طبیعی و شکوفا ساختن آن‌ها (کاردان و همکاران، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۷۰) و ارسطو (۳۲۲-۳۸۴ ق.م) نیز تربیت را مجموعه‌ای از اعمالی دانسته است که به‌وسیله خانواده یا دولت برای ایجاد فضایل اخلاقی و مدنی در افراد صورت می‌گیرد (همان: ۱۷۷). در دیدگاه مسکویه (۴۲۱-۳۲۵ ه.ق) «شریعت است که به شخصیت جوانان و کودکان قوام بخشیده، آن‌ها را به کارهای پسندیده عادت می‌دهد و جان‌هایشان را برای پذیرش حکمت، جست‌وجوی فضیلت و رسیدن به سعادت انسانی از طریق اندیشه درست و تفکر صحیح، آماده می‌گرداند و بر پدر و مادر است که آنان را با آداب شریعت

1. Perceived state.

2. Desired state.

تربیت کنند» (همان: ۲۸۹). در قرآن، خانواده نخستین کانون رشد و آرامش بشری است که مراقبت از آن مسئولیت سنگینی به شمار آمده است. در فرهنگ اسلامی، اولویت و تقدم خانواده یک اصل به حساب می آید و روایات فراوانی بر آن دلالت دارند (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۳۶). رسول خدا (ص) فرموده‌اند: «هرگاه خدا به یکی از شما خیری عطا کرد، ابتدا خود و خانواده‌اش را از آن بهره‌مند سازد» (سیوطی^۱، ۴۲۹: ۷۳). تعریفی از تربیت که در این پژوهش مدنظر است، عبارت است از: «فرایندی تعالی جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیارهای اسلامی که به منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، زمینه‌های مناسب تکوین و تعالی پیوسته هویت ایشان را طدر راستای شکل‌گیری و پیشرفت جامعه صالح اسلامی فراهم می‌آورد» (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۱۰).

مبانی نظری

در بیشتر نظریه‌ها تربیت صحیح با زندگی سعادت‌مندانه پیوند خورده است. جان لاک در کتاب خود با نام «اندیشه‌هایی درباره آموزش و پرورش»، زندگی خوب را این‌گونه توصیف می‌کند: داشتن روانی سالم در تنی سالم کوتاه‌ترین وصف برخورداری از یک زندگانی خوب در این دنیاست. وی نخستین گام تربیت را «پرورش تن و تندرستی» می‌داند. دکارت در این‌باره رعایت مواردی را پیشنهاد می‌کند از جمله: زندگانی در شرایط سخت و متفاوت، بازی در هوای آزاد، رژیم ساده غذایی، نوشیدن شراب و نوشیدنی‌های تند، و دوری از پوشاک بسیار گرم و تنگ. لاک همچنین توصیه می‌کند تا می‌توانیم از به کار بردن دارو خودداری کنیم. وی برای تربیت معنوی از چهار جنبه سخن گفته است: هنر اخلاقی^۲، دانایی^۳، ادب و آداب‌دانی^۴ و آموختن^۵. در تربیت معنوی آموختن در حکم وسیله‌ای برای رسیدن به سه هدف اول است (نقیب‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۱۷). روسو که اندیشه‌های تربیتی خود را در کتاب‌هایی مانند کتاب امیل بیان کرده و شیوه یک

۱. روم، ۲۱.

2. Virtue
3. Wisdom
4. Breeding
5. Learning

زندگی درست را برای فرزند خیالی خود ترسیم کرده است، می‌گوید: «در زندگی پیش از آموختن هر حرفه، باید ”حرفه انسان بودن“ را آموخت. وی یادآور می‌شود که کوشش من این است که امیل چنان بار آید که بتواند در کارهای گوناگون، وظیفه خود را چون یک انسان انجام دهد، در شرایط گوناگون درست رفتار کند و بتواند رنج‌ها و خوشی‌ها را تحمل کند؛ یعنی برای زندگی کردن و خوب زندگی کردن آماده شود. تربیت آماده شدن برای زندگی است. البته خود دوره تربیت نیز دوره‌ای از زندگانی است و دارای اهمیت خاصی است. از این رو، هیچ کدام از مراحل زندگی نباید فدای مرحله‌های دیگر شود (همان: ۱۲۸)، بلکه زندگی باید بر اساس طبیعت شکل بگیرد.

مسکویه دانشمند بزرگ شیعه در قرن چهارم و پنجم، سعادت انسان را در کمال جسمی و روحی او می‌داند. از نظر مسکویه سعادت دارای مراتب چهارگانه‌ای است که هر یک خود به درجات و مراتب بسیاری تقسیم می‌شود. مقام موقنین که صاحبان یقین‌اند؛ مقام محسنان که به آنچه می‌دانند عمل می‌کنند؛ مقام ابرار که در پی اصلاح عباد و بلادند؛ مقام فائزان که در محبت الهی به مقام مخلصان رسیده‌اند. وی والاترین مقام انسان کامل را در زندگی؛ دستیابی به هدف غایی و رسیدن به مقام قرب الی‌الله دانسته است (رفیعی، ۱۳۹۲: ۸۷-۸۹). غزالی اذعان داشته است که آفرینش انسان با خداوند است؛ اما نیکو کردن و تکمیل آن با خود اوست و این امر با تربیت امکان‌پذیر است. غزالی ضرورت تربیت را برای سعادت‌مند شدن انسان در زندگی لازم می‌داند. در حدی که اگر کودک تربیت نشود، ناگزیر سعادت‌مند نمی‌شود و گناه این امر بر گردن پدر و مادر و سرپرست اوست (رفیعی، ۱۳۹۲: ۱۲۲-۱۲۳). خواجه نصیرالدین همچون برخی از فلاسفه یونان معتقد است که اخلاقیات، پایه‌های واقعی و عینی دارد؛ اما برخلاف آنان وی باور داشت که عقل انسان به تنهایی قادر نیست به همه این مبانی برسد و علاوه بر عقل، برای به دست آوردن معرفت کامل ویژگی‌های اخلاقی، باید از شریعت یاری گرفت. بنابراین خواجه نصیرالدین طوسی، لازمه زندگی در جهان امروزی را شریعت می‌داند (کلباسی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۷۹-۴۰۶). ملاصدرا نیز با اهتمام به آیات قرآنی و روایات، چهارچوبی برای معناداری زندگی ارائه می‌دهد. او نقطه ایدئال معنای زندگی را تقرب به خداوند و در جوار او قرار گرفتن می‌داند که هدفی وجودی است و در ساختار فطری هر انسانی قرار دارد. به عبارت دیگر، این انسان است که باید تلاش کند تا با خداوند

ارتباط برقرار و خود را به او نزدیک کند تا زندگی اش معنادار شود. علاوه بر این، او با توجه به این که معنای اساسی زندگی در سایه تقرب به خداوند حاصل می شود، سایر اهداف (مادی، معنوی و وجودی) را در ارتباط با آن رتبه بندی می کند. اعتقاد به جاودانگی هستی انسان، توجیه عقلانی صحیح درباره ضرورت و ترجیح مقاصد معنوی بر مقاصد مادی، عوامل ارزشمندی است که زندگی کردن را معنادار می کند (شارجیان و ارشدریاحی، ۱۳۹۴: ۱۰۷-۱۰۸). برخورداری انسان از مواهب و خیرات دنیوی نظیر: خانواده موفق، تربیت صحیح، برخورداری از علم و ثروت، در صورتی که انسان را دچار ضرورت دیگری نظیر: غرور، گرایش به امکانات مادی زندگی و فرار کردن از روبه رو شدن با مشکلات زندگی نکند، در رشد اخلاقی انسان مؤثر است و معناداری زندگی انسان را تأمین می کند (همان: ۹۱).

پیشینه پژوهش

– مقاله «پرورش محیط های خانوادگی برای کودکان: والدین متمرکز بر شفقت» به عنوان فرمی از مداخله والدین^۱؛ (۲۰۱۹) به نگارش «جیمز کربی» از دانشکده روان شناسی دانشگاه کوئینزلند استرالیا، به سبکی از زندگی در خانواده پرداخته است. نویسنده ادعا کرده است که میزان بدرفتاری با کودک در سطح جهانی بسیار است (هم در کشورهای در حال توسعه و هم در کشورهای پیشرفته). وی خاطرنشان می کند بسیاری از کودکان در سراسر جهان در محیط های سمی تربیت می شوند. در حالی که برنامه های فرزندپروری می توانند مشکلات اجتماعی، عاطفی و رفتاری کودک را کاهش دهند. محیط خانوادگی که فرزندان در آن پرورش می یابند، می تواند تأثیرات طولانی مدت در طیف وسیعی از نتایج رشد، از جمله رشد مغز آن ها، تنظیم احساسات، همدلی هم چنین سلامت روحی و جسمی را داشته باشد.

– مقاله «نقش میانجی انعطاف پذیری در رابطه بین سبک های والدین و مدیریت خشم را درک کنید»^۲؛ (۲۰۱۹) توسط بهزاد آذرنيوشان و همکاران نوشته شده است. نتایج نشان داد که سبک والدین معتبر، پیش بینی کننده مثبت، مدیریت خشم و انعطاف پذیری است. همچنین نتایج نشان داد

1. Nurturing Family Environments for Children: Focused Parenting «as a Form of Parenting Intervention».
2. The Mediating Role of Resilience in the Relationship Between Perceived Parenting Styles and Anger Management.

که سبک فرزندپروری استبدادی، پیش‌بینی‌کننده منفی است. تاب‌آوری پیش‌بینی‌کننده مثبت مدیریت خشم بود و نقش میانجی بین سبک‌های تربیتی معتبر و اقتدارگرا و مدیریت خشم را ایفا کرد. با توجه به نتایج، افزایش سبک فرزندپروری مقتدرانه و کاهش سبک فرزندپروری مستبدانه با تقویت مهارت مدیریت خشم در دانش‌آموزان دبیرستانی همراه است. بنابراین برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای والدین می‌تواند به آن‌ها برای تقویت مدیریت خشم در فرزندانشان کمک کند.

– مقاله‌ای با عنوان «والدین خانواده تحت تأثیر رفتارهای نوجوانان قرار می‌گیرند» توسط نورهانی و بهارتنی^۱؛ (۲۰۱۶) نوشته شده است که اذعان داشته‌اند پنج نوع از والدین: دموکراتیک، اقتدارگرا، طرفدار استبداد، قابل قبول و آسان‌گیر و والدینی که کودک را نادیده می‌گیرند بر شخصیت کودک تأثیر می‌گذارند. باین حال تربیت خانواده خود بر آموزش، هنجارها، فرهنگ، محیط، اجتماع و اقتصاد تأثیر می‌گذارد و متعلق به اعضای خانواده است. مطالعه نیمه تجربی از طریق پرسشنامه، مشاهده، مصاحبه عمیق و مداخله به دانش‌آموزان دبیرستان، همسالان، معلمان مشاوره^۲ و والدین / خانواده آن‌ها به تعداد ۱۰۸۰ نفر و از طریق نمونه‌گیری تصادفی از ۱۰۸ نفر انجام شده است که پاسخ‌دهندگان در چهار مجموعه دبیرستان هستند. نتایج نشان می‌دهند که اگر خانواده آموزش‌های صحیحی فراهم کند، نوجوانان دبیرستانی تمایل کمتری به جدال خواهند داشت و بالعکس. نتیجه نهایی این تحقیق به این امر اشاره می‌کند که عواملی نوجوانان را به مبارزه با نفوذ همسالان تشویق می‌کند. این وضعیت می‌تواند توسط خانواده‌ها و معلمان مشاوره به عنوان یک حمایت مثبت پیش‌بینی شود. پژوهشگران در طول مصاحبه‌های مستقل در بازدیدهای خانگی به این نتیجه رسیدند که والدین اهمیت خانواده خوب را درک می‌کنند. تربیت با دموکراسی بر شخصیت‌های بالغ تأثیر می‌گذارد.

– مقاله «برنامه‌های والدگری پرورش‌دهنده»^۳ (۲۰۰۰) نوشته «باولک» و «ویلسون» نشان داد که به‌طور گسترده پذیرفته شده است که افزایش در بزهکاری و خشونت در دهه اخیر، در تعدادی از مشکلات اجتماعی به هم پیوسته مانند کودک‌آزاری و غفلت از کودک، اعتیاد به الکل و مواد

1. The Family Parenting Influenced Adolescent Brawls Behavior
2. Counseling teacher
3. The Nurturing Parenting Programs

مخدر، تعارضات و پرخاشگری‌های دوران جوانی و ارتباطات جنسی زود هنگام ریشه دارد که می‌تواند از ساختار خانواده نشئت بگیرد. تمرکز مجموعه‌های تقویت خانواده «OJJDP» بر ارائه همکاری با تلاش‌های مداوم در سطح کشور برای تقویت واحد خانواده، با به بحث گذاشتن اثرگذاری برنامه‌های مداخله خانواده و ارائه منابعی برای خانواده‌ها و جوامع است.

دانشمندان علوم اجتماعی معاصر موافق‌اند که تداوم رفتار نادرست با کودکان، امروزه در وهله اول، نتیجه بزرگ‌سالانی است که سطح دانش و آموزش ضعیفی دارند. افرادی که در نقش خود به مثابه پدر و مادر و مراقب، سعی دارند انضباط را تحمیل کنند. و کودکان را در موقعیت خشونت‌آمیزی که خودشان در زمان کودکی تجربه کرده‌اند آموزش دهند. از این رو آموزگاران حرفه‌ای، چرخه نسلی خشونت را دلیل غفلت والدین از کودک و کودک‌آزاری می‌دانند.

پژوهشی نشان داد که اگر الگوی اقتدار منطقی که ترکیبی از کنترل، حمایت عاطفی و عقلانیت را شامل می‌شود، با الگوی عمل‌گرایی والدین همراه شود می‌تواند بهترین و مؤثرترین شیوه تربیتی دینی نوجوانان به شمار آید. به استناد داده‌های این پژوهش بدترین شیوه و الگوی تربیتی شیوه‌های و آزادگذاری افراطی است که باید همواره از آن اجتناب کرد. بهره‌مندی از الگوی مؤثر و کارآمد قبل از هر چیز مستلزم تربیت و آگاهی‌بخشی به والدین برای تقویت الگوی اقتدار منطقی و عمل‌گرایی در خانواده به‌منزله متغیر مستقل و اعمال آن بر تربیت دینی نوجوانان است (نوربخش و اویسی‌فردویی، ۱۳۹۵: ۳۰۹). در مقاله‌ای دیگر ضمن تبیین مفهوم‌شناسی اسوه و تربیت، به ضرورت، اهمیت، ویژگی‌ها و مصادیق مهم الگو در قرآن پرداخته شده و به اثربخشی آن در تربیت که دانشی کاربردی است، اشاره شده است. از منظر قرآن راه و روش رسیدن به سعادت دنیا و آخرت پیروی از الگوی تربیتی توحیدی و شایسته است؛ چون قرآن هدف اصلی خلقت را تربیت انسان می‌داند و تربیت را محدود به علوم دنیوی نمی‌داند (حاجی‌بابایی، ۱۳۹۸: ۱۷۴). الگوهای شایسته خود هدایت یافته‌اند. الگوهای دارای صبر و یقین در هدایت و تربیت‌اند، بر

1. U.S. Department of Justice Office of Justice Programs Office of Juvenile Justice and Delinquency Prevention.

دفتر دادگستری دپارتمان دادگستری ایالات متحده دفتر برنامه‌های عدالت و پیشگیری از بزهکاری نوجوانان.

اساس فطرت الهی تربیت می‌کنند و هدایت و تربیت در صراط مستقیم است. همه اقدامات آن‌ها سمت‌وسوی الهی و ربوبی دارد و انسان را به ربوبی شدن می‌خوانند (همان: ۱۸۳-۱۸۴).

نتایج پژوهش پولادی و دیگران (۱۳۹۷) نشان داد که بین الگوهای تربیت خانوادگی زوجین و صمیمیت زوجین رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و الگوهای تربیت خانوادگی زوجین پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای صمیمیت آن‌ها در زندگی زناشویی است. در پژوهشی دیگر محیط خانواده یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین محیط‌ها بر تربیت فرد بیان شد. در این محیط پدر و مادر الگو و سرمشق کودکان هستند. انسان‌های تربیت‌شده که از حقیقت روحی و کمال وجودی خویش آگاه شده‌اند، می‌توانند هم بر خود اثر نیکوتری برجای بگذارند و هم دیگران را تربیت کنند. وجود چنین انسان‌هایی در هر محیط اعم از خانوادگی و اجتماعی، می‌تواند مایه سعادت بقیه افراد آن محیط شده و آن‌ها را در جهت مثبت تربیت کرده و پرورش دهد (عسکرپور و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۸-۵۹). تأثیرات آزار فیزیکی روی کودکان اغلب در رفتار متعاقب آن‌ها نشان داده می‌شود. استراوس^۱ (۱۹۹۱) دریافت که استفاده از تنبیه بدنی احتمالاً در دوران نوجوانی به کج‌رفتاری‌هایی نظیر بزهکاری منجر و در بزرگسالی به جرائم خشونت‌آمیز در داخل و خارج از خانواده منجر می‌شود. در بررسی تأثیرات آزار و غفلت در رشد بهینه قسمت‌های مهم مغز در فرزندان کوچک، پری^۲ (۱۹۹۷) دریافت که کودکانی که مورد آزار و غفلت واقع شده‌اند ۲۰ تا ۳۰ درصد قسمت‌های غشایی و کناری مغزی کوچک‌تری دارند. این مناطق مغز، پاسخ هیجانی^۳ و وابستگی^۴ را تنظیم می‌کنند که منجر به بیان همدلی نسبت به دیگران می‌شود. از نظر نوابی‌نژاد (۱۳۸۰)، جو عاطفی خانواده ضامن سلامت و شکوفایی فرزندان است. والدین باید فضایی آرام، متعادل و حمایت‌کننده را برای فرزندان خویش مهیا کنند. میلگرام^۵ (۱۹۹۰) نیز همچون نوابی‌نژاد، وضعیت مناسب خانوادگی، نحوه ارتباط والدین با فرزندان، رفتار و نگرش والدین و کمیت و کیفیت علاقه‌مندی آن‌ها را در رشد توانایی‌های فرزندان مؤثر دانست.

1. Straus
2. Perry
3. Emotional response
4. Attachment
5. Milgram

واکاوی پژوهش‌های انجام‌شده قبلی نشان داد که هیچ‌کدام از آن‌ها، اشاره صریحی بر ارائه الگوی مفهومی در خصوص تربیت، مبتنی بر دیدگاه امام رضا (ع) نداشته است. بررسی پیشینه‌های پژوهشی فقدان یک چنین پژوهشی و خلأ آن را برای پژوهشگر بر ملا کرد؛ لذا پژوهش حاضر گامی در جهت پرکردن این شکاف تحقیقاتی است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به بحث تربیت، الگوی مفهومی تربیت و مطالعه انسان اختصاص دارد. از آنجاکه در این نوع تحقیق روابط و تعاملات اجتماعی و الگوهای اساسی افکار و رفتار مطرح است، از روش تحقیق کیفی استفاده شده است. روش پژوهش برای پرسش اول، تحلیل محتواست. تحلیل محتوای کیفی به محققان اجازه می‌دهد اصالت و حقیقت داده‌ها را به گونه ذهنی، ولی با روش علمی تفسیر کنند. عینیت نتایج به وسیله وجود یک فرایند کدبندی نظام‌مند تضمین می‌شود. تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگوهایی را که آشکار یا پنهان هستند، به صورت محتوای آشکار می‌آزماید (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۱). زمانی که از تحلیل محتوا نتایج معنی‌دار و معینی به دست آمد، تحلیلگر می‌تواند استنباط خود را پیشنهاد دهد و تفسیرها را در مورد سؤالات و اهداف پیش‌بینی‌شده یا کشفیات پیش‌بینی‌نشده، گسترش دهد (باردن^۱، ۱۳۷۵: ۱۰۹). سبک و سیاق بیان گزاره‌های قرآنی و پیچیدگی‌هایی که در فهم‌شان وجود دارد، درون‌مایه‌های آن‌ها را در زمره معانی ساختاری عمیقی قرار می‌دهد که در آن گزاره‌ها نهفته‌اند (سلیمی، ۱۳۹۷: ۸۷). هدف تحلیل محتوای کیفی کشف محتوای پنهان است. روش پژوهش برای پرسش‌های بعدی، یعنی اصول و روش‌های تربیت و به دست آوردن الگوی مفهومی، استنتاجی است. روش جمع‌آوری داده‌ها روش بررسی اسناد و مدارک است. پژوهشگر با توجه به مطالعاتی که در بخش پیشینه و ادبیات نظری داشته نظر و سیر مطالعات خود را به ابعاد مربوط به تربیت، یعنی بعد عقیدتی و عبادی، بعد مهارت‌های زندگی و بعد اجتماعی معطوف کرده است. در ادامه، کدگذاری و مقوله‌بندی انجام می‌شود و واحدهای بررسی بر

1. Barden

اساس اشتراکاتی که دارند طبقه‌بندی می‌شوند. سپس بر اساس مبانی، اصول استنتاج و روش متناظر با آن مشخص می‌شود. در مرحله پایانی الگوی مفهومی تربیت ترسیم می‌شود.

سؤالات تحقیق

پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

- ۱- مبانی تربیت در دیدگاه امام رضا (ع) کدام است؟
- ۲- اصول تربیت در دیدگاه امام رضا (ع) کدام‌اند؟
- ۳- روش‌های تربیتی در دیدگاه امام رضا (ع) کدام‌اند؟
- ۴- الگوی مفهومی تربیت مبتنی بر دیدگاه امام رضا (ع) در قالب چه مؤلفه‌هایی تبیین پذیر است؟

یافته‌های پژوهش

مبنای اول: ایمان راستین به خداوند

در روایات و سیره عملی امام رضا (ع) چستی و چرایی زندگی آن گونه رخ می‌نمایاند که زندگی معنادار انسانی فراتر از جلوه‌های ظاهری و سطحی زندگی معمولی و در حد رفع نیازهای اولیه مانند خوردن و آشامیدن است. انسان موجودی دارای تفکر، تعقل و انتخاب آگاهانه است و می‌تواند تا بی‌نهایت کمال‌پذیر باشد. چستی و چرایی زندگی در سیره امام رضا (ع) در راستای هدف خلقت و آفرینش انسان بوده است که برای رسیدن به هدف نهایی زندگی که همان تقرب به خداوند است و سعادت دنیا و آخرت را شامل می‌شود، زمینه‌های شناختی و رفتاری لازم است. امام رضا (ع) درباره ایمان فرموده است: ایمان یک درجه بالاتر از اسلام است و تقوا یک درجه بالاتر از ایمان است و یقین بالاتر از تقواست و به فرزند آدم چیزی بالاتر از یقین داده نشده است^۱ (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۱۶۵). در همین باره امام رضا (ع) درباره مرز ایمان و اسلام فرموده‌اند: به‌درستی که اسلام غیر ایمان است و هر مؤمنی مسلمان است درحالی که هر مسلمانی مؤمن نیست^۲ (زاهری، ۱۳۸۷: ۱۶۴). «ایمان به خدا موجب می‌شود نگرش انسان به همه هستی، هدف‌دار و معنادار باشد و در رفتارها با انسجام و وحدت‌رویه و آرامش عمل کند» (خوانین زاده و

۱. إِنَّ الْإِيمَانَ أَفْضَلُ مِنَ الْإِسْلَامِ بِدَرَجَةٍ وَالتَّقْوَى أَفْضَلُ مِنَ الْإِيمَانِ بِدَرَجَةٍ وَلَمْ يَعْطِ بَنُو آدَمَ أَفْضَلَ مِنَ الْيَقِينِ.

۲. وَأَنَّ الْإِسْلَامَ غَيْرُ الْإِيمَانِ وَكُلُّ مُؤْمِنٍ مُسْلِمٌ وَكُلُّ مُسْلِمٍ مُؤْمِنٌ.

همکاران، ۱۳۹۵: ۹). «این چنین عقیده توحیدی، انسان را از پرستش هر چیز و هدف قرار دادن هر پدیده، جز خدای بزرگ، باز می‌دارد و ریشه مال‌پرستی و زیبادوستی را در درون می‌خشکاند» (حکیمی، ۱۳۸۸ الف، ج ۱: ۲۲).

مبنای دوم: توکل

از امام رضا (ع) پرسیدند: حدّ و اندازه توکل چیست؟ فرمود: به جز خدا از هیچ کس نترسیدن^۱ (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۴۰). توکل یکی از ارکان ایمان و نخستین رکن آن است. توکل اعتماد قلبی به خداوند است. فرد متوکل با علم به اینکه اراده و اذن خداوند در هر امری دخیل است ترسی از غیر خدا ندارد. وقتی انسان بداند که مخلوق نه ضرری می‌رساند و نه سودی می‌بخشد فقط بر خدای تعالی اعتماد کرده و کارش را به او واگذار می‌کند^۲ (ابن بابویه، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۶۱). انسان در همه مراحل زندگی با درایت عقل و اندیشه، برای انجام امور زندگی و راهیابی به سعادت در تلاش است و در هر حالتی به آفریدگار امیدوار است و بر او اعتماد دارد. اعتماد به آفریدگار و توکل بر او در جاتی دارد که به علت اطالة کلام در این مقوله نمی‌گنجد. اعتماد به خدا در همه لحظات زندگی و به‌ویژه در لحظات دشوار زندگی توشه‌ای برای آرامش و غلبه بر اضطراب‌های زندگی است.

مبنای سوم: عبودیت

عبودیت به معنای «بندگی کردن» و تسلیم مطلق در برابر ذات پاک معبودی است که کمال مطلق است و انسان خود را مالک آن می‌داند. چنین اعمالی داعیه‌ای برای سوق به کمال مطلق و پرهیز از هرگونه آلودگی و گناه است؛ ولی پرستش به معنای عبادت است. بدین معنا که به افعال خارجی و مناسک عبادی، مانند نماز و روزه و خدمت به خلق پرستش گفته می‌شود؛ اما بندگی و

۱. سُبِّلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ حَدِّ التَّوَكُّلِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ لَا تَخَافَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ.

۲. سَأَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ جُبْرَيْلَ مَا التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ الْعِلْمُ بِأَنَّ الْمَخْلُوقَ لَا يَضُرُّ وَلَا يَنْفَعُ وَلَا يُغْنِي وَلَا يَمْنَعُ وَاسْتِعْمَالُ الْبَاسِ مِنَ الْخَلْقِ فَإِذَا كَانَ الْعَبْدُ كَذَلِكَ لَمْ يَعْمَلْ لِأَخِي سِوَى اللَّهِ وَ لَمْ يَرْجُ وَ لَمْ يَخَفْ سِوَى اللَّهِ وَ لَمْ يَطْمَعْ فِي أَخِي سِوَى اللَّهِ فَهَذَا هُوَ التَّوَكُّلُ الْخَيْرُ.

عبودیت، صفت درونی انسان است که زمینه انجام عبادات بیرونی را فراهم می‌آورد. البته عبادت هم متقابلاً در تحکیم صفت عبودیت و بندگی تأثیرگذار است.

امام رضا (ع) نماز شب و نماز شفع و وتر و نافله صبح را هیچ وقت حتی در مسافرت ترک نمی‌کرد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹: ۹۴) و شب‌ها کم می‌خوابید و بیشتر شب‌ها تا سحر برای عبادت بیدار می‌ماند (همان: ۹۱). امام (ع) تنها به عبادت بسنده ننموده و در حدیثی آمده است که امام رضا (ع) گفت: عبادت به بسیاری روزه و نماز نیست و همانا عبادت، اندیشه زیاد نمودن در امر خداست^۱ (ابن شعبه الحرانی، ۱۳۷۶: ۴۶۶). همچنین عبادت هدف نهایی در زندگی امام رضا (ع) نبود. از امام رضا (ع)، بهترین بندگان، سؤال شد. حضرت فرمود: «آنان که هرگاه نیکی کنند خوشحال شوند، و هرگاه بدی کنند آمرزش خواهند، و هرگاه عطا شوند شکر گزارند، و هرگاه بلا بینند صبر کنند، و هرگاه خشم کنند در گذرند»^۲. امام رشد و تعالی انسان‌ها را در انجام تمام دستورات خداوند می‌دانست. پس می‌توان نتیجه گرفت که عبادت واقعی همه افعال انسان را در برمی‌گیرد و هرگز نمی‌توان این معنا را به اعمالی چون روزه و نماز و حج محدود کرد.

مبنای چهارم: آراستگی

یکی از شاخصه‌های رفتاری حضرت رضا (ع) در برنامه زندگی آراستگی بود. حضرت در سیره نظری و عملی خود الگوی انضباط و آراستگی بودند. از جمله ظاهر ایشان همیشه آراسته بود و لباس مناسب و پاکیزه می‌پوشیدند و خود را معطر می‌نمودند. حضرت رضا (ع) می‌فرمودند: «لباس مظهر خارجی انسان است. نمی‌توان نسبت به آن بی‌توجه بود. حرمت مؤمن ایجاب می‌کند که انسان در ملاقات با او، شئون خود و وی را رعایت کند و مقید باشد که پاکیزه و خوش لباس باشد» (قرشی، ۱۳۸۲: ۵۹). امام برنامه بهداشتی خود را این گونه تنظیم کرده بود. روز سه‌شنبه، کوتاه کردن ناخن‌ها؛ روز چهارشنبه استحمام؛ روز پنجشنبه حجامت و روز جمعه خوشبو کردن خود با بهترین عطرها. حضرت به کرات مردم را به آراستگی و استفاده از عطر یادآوری می‌نمود و می‌فرمودند: «اگر کسی نمی‌تواند هر روز عطر بزند، دست کم روز جمعه، هفته‌ای یک بار، عطر بزند» (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۲: ۲۵۲). همچنین حضرت رضا (ع) در موارد متعدد زنان و مردان را به

۱. لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ الصَّيَّامِ وَالصَّلَاةِ وَ إِنَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ.

۲. الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبَشَرُوا، وَ إِذَا أَسَاؤُوا اسْتَغْفَرُوا وَ إِذَا أَعْطُوا شَكَرُوا، وَ إِذَا أُتْبِلُوا صَبَرُوا، وَ إِذَا غَضِبُوا عَفَوْا.

آراستگی در منزل توصیه نموده‌اند. برای نمونه حضرت می‌فرمایند: «آراستگی در تعالیم اسلامی و سیره پیشوایان ما بسیار مورد توجه واقع شده است» (ابن شعبه‌الحرانی، ۱۳۷۶: ۴۲۲). و باز در همین منبع آمده است که حضرت می‌فرمایند: «خداوند بزرگ، زیبایی و آراستگی را دوست دارد و فقر و فقر نمایی را دشمن دارد» (ابن شعبه‌الحرانی، ۱۳۷۶: ۴۲۲).

مبنای پنجم: نشاط و شادی در سایه تفریحات سالم

حضرت رضا(ع) می‌فرمایند: «بوی خوش، عسل، سوارکاری و نگاه به مناظر سرسبز و خرم، باعث نشاط و شادی می‌شود» (ابن بابویه، ۱۳۷۳: ۴۷). تفریح و سرگرمی‌های لذت‌بخش، آدمی را در اداره زندگی یاری می‌کند و با کمک آن در امور دنیای خویش موفق‌تر خواهد بود. چنان‌که به سبزه‌زار رفتن و استفاده از هوای آزاد و سالم از علاقه‌مندی‌های آن بزرگوار بود.

آن حضرت در اهمیت شادابی می‌فرمایند: «بعد از انجام واجبات کاری بهتر از ایجاد خوشحالی برای مؤمن، نزد خداوند بزرگ نیست» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸: ۳۷۴). این روایت نشان می‌دهد که افراد باید برای شاداب کردن یکدیگر سهیم شوند و این امر موجب خشنودی خدای متعال است. سرمایه عمر در اختیار هر فردی قرار می‌گیرد تا فرد بتواند از آن بهترین بهره را برای ساختن دنیا و آخرت خود ببرد. امام رضا(ع) در برنامه‌ریزی اوقات شبانه‌روز، وقتی را برای تفریحات در نظر گرفته و می‌فرمودند: «اجتهدوا أن يكونَ زمانُكم أربعَ ساعاتٍ: ساعةٌ منه لمنْجاةِ الله و ساعةٌ لأمرِ المعاش و ساعةٌ لمُعاشرةِ الإخوان و الثقات و الذينَ يعرفونَ عُيوبَكم و يخلصونَ لكم في الباطن و ساعةٌ تخلونَ فيها للذاتِكم و بهذه الساعةِ تقدرونَ على الثلاثِ» بکوشید که زمانتان را به چهار بخش تقسیم کنید: زمانی برای مناجات با خدا؛ زمانی برای تأمین معاش؛ زمانی برای معاشرت با برادران و معتمدانی که عیب‌هایتان را به شما می‌شناسانند و در دل شما را دوست دارند؛ و ساعتی را برای کسب لذت‌های حلال. با بخش چهارم توانایی و نیروی انجام وظایف سه بخش دیگر را تأمین کنید. (منسوب به امام رضا(ع)، ۱۴۰۶: ۳۳۷). در این باره اعتدال را در نظر می‌گیرند و می‌فرمایند: «خود را با کار مداوم خسته نکنید و برای خود تفریح و تنوع قرار دهید، ولی از کاری که در آن اسراف باشد یا شما را در اجتماع سبک کند، پرهیز کنید» (منسوب به امام رضا(ع)، ۱۴۰۶: ۳۴۹).

همه این روایات، نشانگر اهمیت حضرت به شادابی افراد و تفریحات سالم است. اگرچه امروزه در بعضی از جوامع، از تفریحات ناسالم مانند خوردن شراب استفاده می‌کنند، اما حضرت رضا (ع) به شدت انسان‌ها را از خوردن شراب منع کرده و آن را منشأ فساد دانسته است که باعث اضمحلال و نابودی خانواده می‌شود. حضرت در این خصوص می‌فرمایند: «خداوند شراب را حرام کرد برای آنکه منشأ فساد اجتماعی است و عقل را از درک حقایق بازمی‌دارد. حیا را از روی شراب‌خوار می‌برد و در مواجهه با آدم شرم نمی‌کند». و در حدیثی دیگر فرمودند: «از تزویج دختر خود با شارب الخمر اجتناب کن که اگر به او زن دهی چنان است که دلال زنا شده باشی» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۹: ۱۴۲). زیرا بر اثر قانون توارث ویژگی‌های اخلاقی و روانی پدر و مادر در سرشت کودک مؤثر است.

مبنای ششم: تغذیه صحیح

آرمان‌های مبتنی بر یک زندگی سعادت‌مندانه و حیات پاک بر مدار سلامتی می‌چرخد. افراد در فلسفه زندگی خود به دنبال آرامش و دوری از هرگونه رنج هستند. اگرچه کاملاً در قدرت انسان نیست که بر حوادث روزگار فرمان براند؛ اما یکی از عناصر زندگی سعادت‌مند، سلامتی است که تا حد زیادی به تغذیه فرد وابسته است. در کتاب طب‌الرضا دستورهایی از امام رضا (ع) بیان شده است که در اهمیت تغذیه در سلامتی انسان است.

امام رضا (ع) فرموده‌اند: هرکس غذای افزون از اندازه بخورد، این غذا او را سودی نمی‌رساند و هرکس به اندازه (نه بیشتر و نه کمتر) بردارد، این غذا او را تغذیه می‌کند و سود می‌رساند. آب نیز چنین است. روش پسندیده برای تو آن است که از هریک از انواع غذا در فصل ویژه آن بهره‌گیری. درحالی‌که هنوز مقداری میل داری، از غذا دست بکش؛ چراکه این کار، به خواست خداوند، برای بدن سلامت‌آورتر، برای عقل ذکاوت‌بخش‌تر، و برای خود انسان مایه سبکی‌افزون‌تر است. (علی بن موسی الرضا (ع)، ۱۴: ۱۳۸۸).

حضرت رضا (ع) با تأکید بر کم‌خوری و پرهیز از پرخوری می‌فرمایند: «اگر مردم کم غذا می‌خورند، بدن‌هایشان قوی می‌شد. بدن همانند زمین پاک آماده کشت است. اگر در ساختن و آبیاری آن مراقبت شود، به‌طوری‌که آب از مقدار زیادتر به آن نرسد تا غرق شود و کم‌تر آب به آن برسد تا با تشنگی ناقص شود، آیا می‌دانی آن ادامه می‌یابد و شادابی آن بیش‌تر شود و محصول

تمیز تر به عمل می آید و اگر از آن غفلت شود، خراب و گیاهان هرزه در آن می روید و جسد همین طور است. چاره اندیشی در غذاها و نوشیدنی ها، بدن را به اصلاح و تندرستی می کشاند و عافیت در آن ریشه می گیرد. نگاه کن چه چیزهایی با تو و معدهات موافق است و بدنت را نیرومند می گرداند و چه خوراکی ها یا نوشیدنی آن مفید به حال اوست، پس همان را برای خودت به عنوان غذا انتخاب کن» (علی بن موسی الرضا، ۲۷: ۱۳۸۸).

حضرت رضا(ع) در *طب الرضا* به زمینه های مختلف علم پزشکی توجه دارد و می فرمایند: اختلال که به هم خوردگی نظم است، نمی گذارد اعصاب وظیفه خود را طبیعی و کامل انجام دهد. افکاری که از مغز آلوده و اعصاب غیرمنظم پدید می آید، آلوده و غیرمنظم است (علی بن موسی الرضا، ۲۰۱: ۱۳۸۱). بدان که بدن آدمی زاده به منزله زمین پاکیزه ای است. اگر خواستی به عمارت و آبیاری اش پردازی، اعتدال را رعایت کردی، نه آن قدر آب دادی که غرق شود و تبدیل به یک باتلاق و یکپارچه لجن گردد و نه آن اندازه دریغ کردی که تشنه و خشک بماند، این چنین زمینی همیشه آباد و معمور خواهد بود. حاصلش فراوان و بهره اش پاکیزه است ولی اگر درباره آن غفلت شود، تباه می گردد و دیگر سبزه ای در آن نخواهد روید (علی بن موسی الرضا، ۹۵: ۱۳۸۵).

مبنای هفتم: گشاده رویی

مهم ترین اصلی که حضرت رضا(ع) در باب اخلاقی، در زمینه رفتار با خانواده و افراد جامعه به آن پایبند بودند، حسن خلق و گشاده رویی است. ایشان در خانواده و جامعه از این اصل بهره می گیرند و در روایات آنان را به خلق نیکو و گشاده رویی دعوت می نماید. حضرت در این باره فرموده اند: «در ترازوی عمل چیزی سنگین تر از خلق نیکو نیست» (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۷). همچنان حضرت رضا(ع) به نقل از حضرت رسول(ص) فرمودند: «خدا دین اسلام را خالص از برای خود گردانید و صلاحیت ندارد برای این دین، مگر سخاوت و حسن خلق، پس دین خود را به این دو زینت دهید». به آن جناب عرض کردند که: ایمان کدام یک از مؤمنین افضل است؟ فرمودند: «هر کدام خوش خلق ترین شماست» و نیز فرمودند: «بداخلاقی عمل را تباه می کند، چنان که سرکه غسل را تباه می کند» (همان). بسیاری از مشکلات و حتی قتل ها، به دنبال بداخلاقی ها به وجود آمده است و تبعات آن به جامعه رسیده است. از این رو، تربیت اخلاقی

اهمیت می‌یابد. درواقع برای هرگونه تربیت اخلاقی فرزند، ابتدا والدین باید در خانواده گشاده‌رو و بااخلاق باشند. تربیت اخلاقی بر اساس منابع الهی حکم می‌کند که انسان‌ها برای بهتر شدن زندگی به فضیلت‌های اساسی اخلاقی رو آورند و گشاده‌رو باشند.

مبنای هشتم: تاب‌آوری و سعه‌صدر

اولین ویژگی امام که نشانگر تاب‌آوری امام است؛ برقراری روابط همراه با رثوفت با اعضای خانواده است. امام رضا(ع) در حدیثی می‌فرماید: لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ خِصَالٌ ثَلَاثٌ التَّقَهُ فِي الدِّينِ وَ حُسْنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الرَّزَايَا؛ هیچ بنده‌ای حقیقت ایمانش را کامل نمی‌کند مگر این که در او سه خصلت باشد: دین‌شناسی، تدبیر نیکو در زندگی و شکیبایی در مصیبت‌ها و بلاها (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۳۳۹).

دومین شاخصه تاب‌آوری امام حضور مؤثر و برخورد آگاهانه در اجتماع به‌ویژه در مناظره با مخالفان است. امام در مناظرات با مخالفان، با رفتاری حکیمانه همراه با سعه‌صدر، با تسلط بالایی که بر علوم مختلف داشتند، با گفت‌وگو و پرسش و پاسخ مسائل را پاسخ می‌دادند و ابهام‌زدایی می‌نمودند. در مناظره امام با جاثلیق^۱، وی به مأمون رو کرد و گفت: «چگونه با کسی مناظره کنم که از کتابی دلیل می‌آورد که من منکر آن هستم و از پیامبری سخن می‌گویم که من به او ایمان ندارم» (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۱: ۳۳۲). امام با سعه‌صدر و روی گشاده گفتند: اگر به انجیل خودت استدلال کنم، اقرار می‌کنی؟ در جواب جاثلیق گفت: مگر می‌توانم انجیل را نپذیرم؟ به خدا قسم اقرار می‌کنم؛ اگرچه برخلاف میلم باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۲۹۳). سپس امام(ع) با تسلطی که بر انجیل داشتند، حقایق را بر جاثلیق اثبات نمودند. تاب‌آوری در زندگی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده معنادار زندگی فرد شود و کیفیت زندگی را ارتقا دهد.

مبنای نهم: مواسات

یکی از شاخصه‌های رفتاری امام رضا(ع) در مقام پیشوا و راهنما، مواسات و مدد‌رسانی به نیازمندان و محرومان بوده است. این شاخصه باهدف مشارکت آنان در بهره‌گیری از مواهب

۱. جاثلیق عالم بزرگ مسیحی در زمان حضرت رضا(ع) بود. عنوانی است که برای رهبر ارشد کلیسای خاص به‌ویژه در شاخه‌های مسیحیت شرقی به کار می‌رود.

زندگی و یاری رساندن در امور زندگی است. مفهوم مواسات به عنوان یک فضیلت اخلاقی در آیاتی از قرآن از جمله سوره ماعون آمده است. یکی از موارد مواسات کمک مالی به یکدیگر است. برای مثال در سوره ماعون آمده است: آیا دیدی آن کس را که روز جزا را انکار می کرد؟ این همان شخص (بی رحم) است که یتیم را (از در خود) به قهر می راند و (کسی را) بر اطعام فقیر ترغیب نمی کرد. پس وای بر آن نمازگزاران که دل از یاد خدا غافل دارند. همانان که (اگر طاعتی کنند به) ریا و خودنمایی کنند و زکات و احسان را (از فقیران و هر خیر کوچک، حتی قرض را هم از محتاجان) منع کنند.^۱ جلوه هایی از مواسات در سیره قولی و عملی امام رضا(ع) نیز نمایان بود.

زمانی که حضرت در خراسان بودند، در روز عرفه ای، تمام اموال خود را به فقرا انفاق نمودند. «فضل بن سهل» به ایشان اعتراض کرد و عرضه داشت: «این خسارت و زیان است. حضرت در جواب فرمودند: بلکه مفید و سودآور است. هرگز خسارت شمار آنچه را که به عنوان اجر (الهی) و یا کرم و بخشش داده ای.»^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹: ۱۰۰). همچنین در توجه به آموزش مدد رسانی در خانواده فرموده اند: «کودک را امر کن تا با دست خود صدقه بدهد؛ اگر چه کم باشد، هر چیزی که برای رضای خداوند داده شود، اگر چه کم هم باشد، در نزد خداوند بزرگ است»^۳ (کلینی رازی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۴). امام رضا(ع) به عنوان راهبر و پیشوا همواره به دشواری های زندگی دیگران توجه داشت و مواسات را به منزله یکی از بایسته های اخلاقی رعایت می نمودند. در واقع تمام انبیای الهی مردم را به مواسات و غم خواری و همدلی مؤمنانه دعوت نموده اند. زیرا مواسات باعث از بین رفتن شکاف طبقاتی و ریشه کن شدن فقر و محرومیت می شود. اساس فلسفه زندگی بر این قرار گرفته است که مردم به یاری یکدیگر بشتابند و این گونه خود را به خداوند نزدیک کنند.

۱. أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ. فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ. وَ لَا يَخْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ. فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ. الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ. الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ. وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ. ماعون/ ۱ - ۷.

۲. بَلْ هُوَ الْمُعْتَمِدُ لَا تَعْدُنَّ مَعْرَمًا مَّا ابْتَغَيْتَ بِهِ أَجْرًا وَ كَرَمًا.

۳. «مُرِ الصَّبِيَّ فَلْيَتَصَدَّقْ بِبَدْوٍ بِالْكَسْرَةِ وَ الْقَبْضَةِ وَ الشَّيْءِ وَ إِنْ قَلَّ فَإِنَّ كُلَّ شَيْءٍ يُرَادُّ بِهِ اللَّهُ وَ إِنْ قَلَّ تَعَدَّ أَنْ تَصَدَّقَ الْيَتِيمُ فِيهِ عَظِيمٌ».

مبنای دهم: دوستی با مردم

حضرت رضا(ع) فرموده‌اند: «پس از ایمان به خداوند، نخستین عملی که عقل آدمی انسان را به آن ارشاد می‌کند، محبت و دوستی با مردم و احسان و نیکی با نیکوکاران و بدکاران است». همچنین فرموده‌اند: «با عموم مردم با گشاده‌رویی برخورد کنید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱: ۱۶۷). حضرت فرزند خود، امام جواد(ع)، را نیز فردی اخلاقی و به لحاظ روابط اجتماعی شایسته تربیت کرد؛ برای مثال زمانی که حضرت در مرو بود، نامه‌ای به فرزندش امام جواد(ع) نوشت که مضمون آن این گونه بود:

ای ابو جعفر! شنیده‌ام هنگامی که سوار مرکب می‌شوی، غلامان تو را از درب کوچک بیرون می‌برند. این از بخل آن‌هاست؛ زیرا نمی‌خواهند خیر تو به کسی برسد و تو انفاق کنی. به حق که من بر گردن تو دارم، از تو می‌خواهم که رفت و آمدت، فقط از درب بزرگ باشد. هنگامی که بیرون می‌روی، زر و سیم با خود داشته باش و هر کس از تو چیزی خواست، باید به او بدهی. من می‌خواهم به این وسیله، خدا تو را بزرگ کند و توفیق دهد. انفاق کن و ترس از اینکه روزی ات کم شود یا تهی دست شوی (کلینی رازی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۴۳). انسان به وسیله دوستی و محبت با دیگران توفیق می‌یابد از خرد و دانش آن‌ها بهره‌مند گردد. علاوه بر آن دوستی با مردم باعث انبساط روحی و احساس شادکامی می‌گردد؛ زیرا انسان در طبیعت خود موجودی اجتماعی است. دوستی با مردم به عنوان یک اصل اساسی در کنار دوستی با خداوند و دوستی با طبیعت و حیوانات و گیاهان، مایه سعادت‌مندی انسان است.

اصول تربیت

اصل ماهیتی هنجاری و ارزشی دارد. نظر به این که اصل، قاعده و معیار عمل و ناظر بر عمل است، نمی‌تواند رویکردی توصیفی نسبت به واقعیات تحت عنوان خود داشته باشد، بلکه برخلاف مبنا و هدف که جنبه توصیفی از واقعیات دارد، درصدد ارائه‌ی واقعیتی مطابق مدلول خود و هنجاری متناسب با خاستگاه خود است. به طور کلی، اصول تربیت متضمن ارزش‌گذاری متناسب با مبنای پذیرفته‌شده در تربیت و اهداف موردنظر آن است. اصل راهنمایی نظری برای گزینش روش‌های خاص متناسب با اهداف و مبانی است. اگرچه اصول به دست آمده در این پژوهش از دید پژوهشگر مشهود است و ممکن است اصول دیگری وجود داشته باشد که پژوهشگر به علت

جلوگیری از اطاله کلام؛ به آن نپرداخته است. پس از بیان هر اصل، روش متناظر با آن استنتاج شده است.

اصل اول: خدامحوری

هدف: انسان باید یقین داشته باشد که همه امور هستی به دست خداوند است.

این اصل تربیتی از مبنای «ایمان یک درجه بالاتر از اسلام است و تقوا یک درجه بالاتر از ایمان است و به فرزند آدم چیزی بالاتر از یقین داده نشده است» استنباط شده است. این اصل در تصریح روایات و رفتار عملی امام رضا(ع) در زندگی، نقطه کانونی اصول دیگر است. در پس معنای زندگی عبادت نهفته است و آن هدف واسطی است که به هدف اصلی دیگری در همین راستا یعنی، عبودیت می‌رسد. امام رضا(ع) می‌فرمایند: جَفَّ الْقَلَمُ بِحَقِيقَةِ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ بِالسَّعَادَةِ لِمَنْ آمَنَ وَ اتَّقَى، وَ الشَّقَاوَةِ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِمَنْ كَذَّبَ وَ عَصَى «قلم تقدیر خداوندی بر خوشبختی کسی که ایمان آورد و تقوا داشته باشد و بر بدبختی کسی که ایمان نیاورد و نافرمانی ورزد، رقم خورده است» (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۵۵). در حدیث دیگری از امام رضا(ع) آمده است: الْإِيمَانُ أَرْبَعَةُ أَرْكَانٍ: التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ الرِّضَا بِقَضَائِهِ، وَ التَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ، وَ التَّفْوِيزُ إِلَى اللَّهِ؛ «ایمان چهار رکن است: توکل کردن بر خداوند عز و جل، راضی بودن به قضای او، تسلیم در برابر فرمان خدا و واگذاری کارها به خدا» (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۵۴).

فردی که به خدا ایمان دارد و عبد اوست، با علم به دخیل بودن اراده و اذن خدا در هر امری، بر خداوند توکل می‌کند و به او اعتماد دارد. همچنین بر قدرت کامل خرد آدمی برای حل مشکلات و بهبود زندگی صحنه نمی‌گذارد؛ زیرا می‌داند اراده و خواست خداوند بر وقوع هر امری مقدم است. چنین فردی در هر کاری رضایت خداوند را در نظر دارد و حدود الهی را رعایت می‌کند. ایمان به خدا محور ارزش‌گذاری اندیشه‌ها و عملکرد فرد در زندگی و زیربنای عمل صالح است و پس از آن حفظ حدود الهی و عمل به آن اهمیت می‌یابد. یکی از موانع ایمان شخصیت‌زدگی و تقلید کورکورانه است. خرافه‌پرستی و جهل و نادانی نیز آفتی است که انسان را از این موانع و شناسایی آن باز می‌دارد. الگوی تربیتی دارای علم به اصل حدود الهی و تأثیرات آن در زندگی است. بر اساس آموزه‌های دینی، کسانی که ایمان بیشتری دارند، بر اساس حدود الهی عمل می‌کنند و در عرصه تلاش برای کسب فضیلت‌های اخلاقی و محو رذیلت‌های اخلاقی،

با انگیزه‌تر و جدی‌تر هستند. در جوامعی که این حدود رعایت نشود و بر اساس سلیقه شخصی افراد عمل شود، مفاسد اخلاقی فراوان است؛ چون غرایز انسانی در آنجا رهاست و انسان‌ها تسلیم خواسته‌های نفسانی خود می‌شوند. به تعبیر قرآن در این سرزمین‌ها مردم هوای نفس‌شان را معبود خود می‌دانند و به دستورهای آن عمل می‌کنند و حدود الهی را رعایت نمی‌کنند.

تحقیقات نشان داده است که رعایت حدود الهی و خدامحوری نقش مؤثری در پیشگیری از بزهکاری و جنایت ایفا می‌کند. گرازمیک و دیگران در این باره بیان داشته‌اند که «به نظر جامعه‌شناسان دست کم برخی از ابعاد دین می‌تواند دارای نقشی بازدارنده، حداقل در خصوص برخی از انواع رفتارهای غیرقانونی داشته باشد. آنان همچنین معتقدند که دین نیز این نقش بازدارندگی را دست کم در برخی اوضاع و احوال ایفا خواهد کرد» (ایوانزتی، ۱۳۸۰: ۱۴۳).

اصل دوم: ارتقا روحیه و انگیزه

هدف: انسان با کسب لذت‌های حلال قادر است توانایی و نیروی انجام وظایف خود را در زندگی تأمین کند.

این اصل تربیتی منتج از مبنای «بکوشید که زمانتان را به چهار بخش تقسیم کنید» استنتاج شده است. در زندگی عواملی هستند که باعث ارتقا روحیه، نشاط و تجدیدقوا می‌شوند. این عوامل در سیره امام رضا (ع) نیز مشهود بوده است، از جمله داشتن تفریحات سالم. انتخاب تفریحات سالم متأثر از سبک زندگی است و می‌توان گفت در بیشتر موارد جامعه بر اساس آن رفتار می‌کند. اغلب در سبک زندگی مادی‌گرایانه از عوامل نشاط‌آور معنوی غفلت می‌شود. در صورتی که عوامل معنوی تأثیر ماندگارتر و بیشتری بر نشاط و سرزندگی انسان دارند. برای مثال عشق و ایثار، کمک به هموعان، گام برداشتن در راه رضایت خداوند، کمک به حیوانات، کمک به حفظ طبیعت و موارد بسیاری که سبب شادابی و سرزندگی در انسان می‌شود. تفریحات سالم می‌توانند موجب کاهش استرس شوند و فراغت بال را به انسان هدیه دهند. اگر تفریحات ناسالم از شیوه‌های انحراف گونه باشند، اثرات مخربی را برای فرد و حتی جامعه همراه دارد و آرامش وی را سلب می‌کند. از تفریحات ناسالم می‌توان به استفاده از نوشیدنی‌های الکلی، مصرف مواد مخدر و قرص‌های روان‌گردان، جشن‌های گروهی با افراد نامحرم و قمار اشاره کرد. برای ارتقا روحیه و انگیزه در خانواده بهتر است تفریحات سالم باشد و از راه مشروع برآورده شود. همان گونه که امام

رضا(ع) می‌فرماید: «از لذایذ دنیوی نصیبی برای کامیابی خویش قرار دهید و تمایلات خود را از راه‌های مشروع برآورده سازید. مراقبت کنید در این کار به مردانگی و شرافتان آسیب نرسد و دچار تندروی و اسراف نگردید و به وسیله این سرگرمی‌های لذت‌بخش بر روند بهتر امور دنیوی یاری جوید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۳۳۶).

اصل سوم: توجه به سلامتی جسم و روح

هدف: انسان برای داشتن زندگی سالم و شکوفا باید تغذیه صحیح داشته باشد. این اصل تربیتی از مبنای «هر کس غذای افزون از اندازه بخورد، این غذا او را سودی نمی‌رساند و هر کس به اندازه (نه بیشتر و نه کمتر) بردارد، این غذا او را تغذیه می‌کند و سود می‌رساند...» استنباط گردیده است. نگرش حضرت رضا(ع) در مورد سلامتی انسان، نشانگر این مسئله است که تغذیه صحیح در سلامتی جسم و روح مؤثر است. حضرت رضا(ع) فرموده‌اند: «پس به درستی که صلاح بدن و پایداری آن به خوردنی و نوشیدنی است و فسادش نیز به آن‌هاست. پس اگر آن را نیکو تغذیه کنی، بدن سالم می‌شود و اگر بد تغذیه کنی، بدن بیمار می‌گردد». بدن از موادی تغذیه می‌کند که از آن‌ها درست شده باشد. هر کدام از این مواد اگر در ترکیبات بدن به قدر کافی داخل نشود، بدن به کمبود آن ماده دچار شده و مقاومت خود را در برابر امراض از دست می‌دهد (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۷۷). امام رضا(ع) همچنین در بیانی حکیمانه می‌فرماید: إِذَا جُعْتَ فَكُلْ وَإِذَا عَطِشْتَ فَاشْرَبْ وَإِذَا هَاجَ بَكَ الْبَوْلُ قَبْلُ، وَ لَا تُجَامِعْ إِلَّا مِنْ حَاجَةٍ، وَإِذَا نَعَسْتَ فَنَمْ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ مَصَحَّةٌ لِلْبَدَنِ. چون گرسنه شدی بخور، چون تشنه شدی بنوش، چون ادرار بر تو فشار آورد، ادرار کن، جز از سرِ نیاز نزدیکی مکن و چون احساس خواب‌آلودگی کردی، بخواب که این‌ها مایه تندرستی بدن‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۲: ۲۶۰).

با یک تغذیه صحیح می‌توان سلامتی تن را تا حد زیادی تأمین کرد. علاوه بر آن، سلامتی تن ارتباط تنگاتنگی با سلامتی روان دارد. عقل سالم در بدن سالم است. سلامتی جسم و روح عنصر اساسی شکوفایی استعدادهای ذاتی انسان برای رسیدن به رشد و کمال حقیقی است. امروزه سبک زندگی در زمینه تغذیه تغییر یافته و بیماری‌های بسیاری به دلیل تغذیه ناسالم ایجاد شده است. گرایش به غذاهای آماده، عادات بد غذایی و برهم خوردن زمان وعده‌های غذایی، مصرف

بی‌رویه گوشت قرمز و برنج و مصرف بیش از حد تنقلات در خانواده‌های امروزی موجب به خطر افتادن سلامت جسم و روح گردیده است. علاوه بر آن پرخوری، استرس و کم‌تحرکی در جامعه ماشینی امروز زمینه‌ساز چاقی و بیماری‌های گوناگونی چون بیماری‌های قلب و عروق شده است و ضرورت توجه به سلامتی جسم و روح را دوجندان کرده است. نانری و همکاران در تحقیقی در ژاپن نشان دادند که وعده‌های غذایی سالم ژاپنی که ویژگی آن مصرف میوه و سبزی فراوان و همچنین قارچ و محصولات سویا است با کاهش بروز نشانه‌های افسردگی مرتبط است (نانری و همکاران، ۲۰۱۰: ۸۳۲).

اصل چهارم: اخلاق‌مداری

هدف: روابط افراد با یکدیگر باید اخلاق‌مدار باشد.

این اصل بر مبنای «در ترازوی عمل چیزی سنگین‌تر از خلق نیکو نیست» است. امام رضا (ع) متصف به صفات انسانی و اخلاقی بوده و مردم را به داشتن اخلاق نیکو دعوت می‌کند. اهمیت این مطلب تا بدان جاست که حضرت به نقل از رسول خدا (ص) به کسانی که حُسن اخلاق را محور و سرلوحه رفتار و گفتار خود قرار می‌دهند، چنین مژده می‌دهند: أَقْرَبُكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ؛ «در قیامت کسی به من نزدیک‌تر است که در دنیا خوش‌اخلاق‌تر باشد و با خانواده خود نیکوکارتر» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۸). باید خاطر نشان کرد که معرفت لزوماً به اخلاق منتهی نمی‌شود. یعنی ممکن است فردی از قوانین اخلاقی آگاهی لازم را داشته باشد، اما در عمل انسان اخلاق‌مداری نباشد. اخلاق انسانی تنها به رفتار پسندیده با دیگران ختم نمی‌شود؛ بلکه درک صحیح از مشکلات و نیازهای اساسی اطرافیان و کمک به بهبود آن نیز نمودی از اخلاق‌مداری است. علاوه بر آن پرورش فضایل اخلاقی محدود به بعد فردی نمی‌شود؛ بلکه وجوه اجتماعی را نیز دربر می‌گیرد. الگوهای تربیتی برای تربیت اخلاقی، خود باید در این زمینه رشد یافته باشند تا بتوانند تأثیرگذار باشند.

خداوند متعال انسان را به گونه‌ای آفرید که وقتی نیازها و مصالح یکدیگر را تأمین می‌کنند، رفته‌رفته رابطه عاطفی میان‌شان پدید می‌آید و رشد می‌کنند. این عاطفه می‌تواند نقش مهمی در تأمین مصلحت کل خانواده ایفا کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۳۲۴).

اصل پنجم: تعامل مؤثر با جامعه

هدف: انسان باید در زندگی خود با مردم مدارا کند.

آن گونه که امام رضا(ع) اشاره داشتند: *اَلتَّوَدُّدُ اِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ*؛ مهربانی با مردم نیمی از خرد است (ابن شعبه الحرانی، ۱۳۷۶: ۴۴۳). این اصل نیز از همین سخن حضرت در حوزه ارتباط با اجتماع استنباط شده است. در تصریح این سخن امام رضا(ع) به نقل از پدراناش فرمودند: *رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ، وَاصْطِنَاعُ الْخَيْرِ إِلَى كُلِّ بَرٍّ وَفَاجِرٍ*: سرآمد خرد، پس از ایمان به خدا، مهرورزی با مردم و نیکی کردن به هر شخص خوب و بدی است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ۴۰۹).

«جامعه‌شناسان جامعه‌پذیری را فرایندی دانسته‌اند که فرد را برای زندگی گروهی آماده می‌کند و نقش اساسی در شکل‌گیری شخصیت، نگرش و رفتار فرد دارد» (دسترنج، ۱۳۹۲: ۸۲). بسیاری از نیازهای فرد و خانواده در تعامل مؤثر با جامعه تأمین می‌شود و بخشی از برنامه تربیت فرد، به نوع تعاملات او با انسان‌های دیگر ربط پیدا می‌کند. اما امروزه با کم‌رنگ شدن این تعامل در برخی از خانواده‌ها شاهد اثرات سوء آن از جمله فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی، تنهایی و عوارض آن از جمله اضطراب هستیم. تعامل مؤثر با جامعه به جامعه‌پذیری فرد منجر می‌شود.

روش‌های تربیت

روش شناخت زندگی سعادتمندانه و هدفمند

لازمه هرگونه تحول مثبت در انسان، در مرحله نخست آگاهی و معرفت نسبت به آن و سپس عمل به آن است. بسیاری از معضلاتی که انسان‌ها با آن روبه‌رو می‌شوند، ناشی از جهل و ناآگاهی است. درواقع دانایی در زندگی نقش اساسی دارد. در زندگی قبل از هر چیز، انسان باید زندگی سعادتمندانه و هدفمند را بشناسد و سپس مسیر زندگی خود را بر اساس آن مشخص کند. امام رضا(ع) قبل از هر چیز شناخت را مهم دانستند و فرمودند: *أَوَّلُ عِبَادَةِ اللَّهِ مَعْرِفَتُهُ، وَأَصْلُ مَعْرِفَةِ اللَّهِ تَوْحِيدُهُ*؛ آغاز پرستش خدا، شناخت اوست و ریشه شناخت او، یگانه دانستن اوست (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۷: ۴۳).

در بیان اهمیت شناخت هدف در زندگی می‌توان گفت که «فلسفه و هدف زندگی» از مسائل مهم انسان‌شناسی به شمار می‌رود و یکی از اساسی‌ترین موضوعات زندگی سعادتمندانه است. علامه جعفری در این زمینه بیان می‌کند که بی‌نواترین انسان کسی است که «منِ انسانی» او فریاد بزند و از فلسفه و هدف حیاتش بپرسد و آن انسان همان حیات طبیعی و شئون آن را به‌عنوان هدف نشان بدهد. مقدار دانش ما حتی درباره حیات طبیعی بسیار ناچیز است و ما جز ظاهر و صورتی از آن چیزی نمی‌دانیم چه رسد به حیات حقیقی. شاید نقص دانش ما نسبت به زندگی معمولی، معلول اختلاط بازیگری و تماشاگری ماست که معرفت ما را درباره حیات معمولی، متزلزل و بی‌پایه می‌گذارد (جعفری، ۱۳۸۶: ۸۵). در تصریح این سخن آیه‌ای از قرآن می‌آوریم: یَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ^۱ (اکثر) آنان به امور ظاهری از زندگی دنیا آگاه‌اند و از عالم آخرت به کلی بی‌خبرند. درواقع این افراد شناخت اندکی درباره زندگی دارند و هدف زندگی را به زندگی معمولی در حد خوردن و خوابیدن و لذت‌های زودگذر دنیایی فرو کاستند. در صورتی که اگر انسان هدف زندگی را درست بشناسد و در راستای آن هدف حرکت کند و سبک زندگی خود را بر اساس آن شکل دهد، ارزش زندگی سعادتمندانه را می‌یابد.

در جامعه امروزی، والدین با نسلی رو به رشد روبه‌رو هستند که از لحاظ منطقی و ذهنی با نسل سابق خود تفاوت‌هایی دارند. این تفاوت در سلاقی و ارتباطات آشکارتر است. درصحنه ارتباطات، جوانان گاه به دلیل تأثیرپذیری بیشتر دچار شخصیت‌زدگی شده و معیار ارزش‌گذاری اندیشه‌های خود را بر مبنای تعاملات ابزاری و غیرانسانی تعیین می‌کنند. علاوه بر آن تکیه بر مادی‌گرایی و خارج کردن ماوراءالطبیعه از زندگی، منجر به ساختن فردی با انگیزه مادی می‌گردد و ایمان راستین به خدا نیز کم‌کم رخت برمی‌بندد. فرد ممکن است اهدافی در زندگی داشته باشد، اما اهداف او هم از همان تعاملات غیرانسانی و نگاه ابزاری سرچشمه می‌گیرد و درنهایت به پوچ‌گرایی می‌رسد. یکی از عناصر لازم برای دست‌یازیدن به حیات سعادتمندانه، درک صحیحی از معنای زندگی و هدف زندگی است. در زیر چتر زندگی سعادتمندانه و هدفمند، مواردی چون آرامش روحی، کمال‌پذیری، ارزش‌گذاری اندیشه‌ها، معنویت و تعالی قرار می‌گیرد.

۱. سوره روم، آیه ۷.

روش تربیت مبتنی بر عمل

امام رضا(ع) در روایتی به ارتباط بین شناخت و عمل در بحث ایمان اشاره نمودند و فرمودند: **الْإِيمَانُ هُوَ مَعْرِفَةُ الْقَلْبِ، وَإِقْرَارُ بِاللِّسَانِ، وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ**: ایمان شناخت به دل است و اقرار کردن با زبان و عمل با ارکان [بدن] (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰: ۳۵۷).

از جمله امتیازهای علم آن است که با عمل همراه باشد؛ از سویی، عمل به راهنمایی علم نیاز دارد، پس هیچ یک از آن دو، بدون دیگری نفعی ندارند. عالم باید اهل عمل باشد و بداند که علم بدون عمل، او را نجات نخواهد داد. حضرت رضا عمل کردن به علم و دانش را همانند جهاد دانسته و می فرمودند «عمل به علم جهاد است»^۱ (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۸). عمل بدون علم نیز نفعی ندارد، چنان که امام رضا(ع) فرمود: «کسی که بدون آگاهی و بصیرت عمل کند، مانند کسی است که بیراهه حرکت می کند: هرچه سریع تر برود، از راه اصلی دورتر می شود»^۲ (منسوب به امام رضا(ع)، ۱۴۰۶: ۳۸۱). علاوه بر آن، یکی از اموری که خوشبختی خانواده را تضمین می کند و باعث استحکام آن می گردد، وفای به عهد و احترام به پیمان هاست. والدین با عمل به قول و قرار و وعده های خود، عملاً روح و روان فرزندان را با این صفت پسندیده آشنا خواهند کرد.

روش بهره گیری مسئولانه از طبیعت

گستره سبک زندگی عرصه وسیعی از رفتار آدمی با خدا، خود، خانواده، جامعه و حتی طبیعت را در برمی گیرد. تفریح و سرگرمی های لذت بخش، آدمی را در اداره زندگی یاری می کند و به کمک آن می توان در امور دنیای خویش موفق تر بود. در بهره گیری از طبیعت باید مراقب بود تا این امر به تخریب محیط زیست منجر نگردد و طبیعت در راستای رشد فرد به کار گرفته شود. لازمه این امر بهره گیری متعادل و متوازن از طبیعت است. در قرآن کریم آمده است: **إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ**^۳: ما هر چه آفریدیم به اندازه آفریدیم. در آیه دیگری خطاب به پیامبر آمده است: **«وَإِذَا تَوَلَّى**

۱. «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ... وَ الْعَمَلُ بِهِ جِهَادٌ».

۲. «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا عَنِ الطَّرِيقِ».

۳. سوره قمر، آیه ۴۹.

سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ^۱: هنگامی که روی برمی گردانند (و از نزد تو خارج می شوند) در راه فساد در زمین، کوشش می کنند و زراعت ها و چهارپایان را نابود می سازند، (باینکه می دانند) خدا فساد را دوست نمی دارد». بر این اساس کسانی که رفتار ناشایست نسبت به محیط زیست داشته باشند، از رحمت و محبت خداوند محروم هستند. هر انسانی در هر جایگاهی که قرار گرفته است نسبت به طبیعت مسئولیت دارد. پذیرش مسئولیت فعلی که افراد انجام می دهند نکته ای اساسی است و پاداش و کیفر نیز بر اساس همین مسئولیت به وجود آمده است. این در حالی است که امروزه در برخی از جوامع، انسان به عنوان فاعل شناسایی می شود ولی اقتدار طبیعت آدم را به عنوان یک ابژه در حوزه تسلط خود می بیند.

روش درک اهمیت سلامتی و تعادل جسم و روان

یکی از شروط بسیار مهم و اساسی تعالی انسان، برخورداری از سلامتی جسم و روان است. بنابراین داشتن درک صحیح از سلامتی برای افراد اهمیت می یابد. والدین اولین افرادی هستند که می توانند به این درک صحیح و تعادل جسم و روان فرزندان کمک کنند. مدرسه نیز در ایفای این نقش مؤثر است. علاوه بر آن حکومت نیز وظیفه دارد برای سلامتی افراد جامعه سرمایه گذاری و زمینه سازی کند؛ زیرا اگر حکومت در این بخش هزینه نکند، هزینه های بیشتری را باید در بخش درمان بپردازد. افراد سالم در یک جامعه سرمایه انسانی آن جامعه به حساب می آیند و در رشد و بقا جامعه تأثیر زیادی دارند. در راستای این روش، بایستی شناخت در حوزه هایی مانند سلامت جسمی، سلامت روانی و عقلی، اعتماد به نفس، شادابی و رشد اخلاقی که با موضوع مرتبط است در جامعه مورد توجه قرار گیرد.

روش عملی در نهادهای سازی فضایل اخلاقی

برای نهادهای سازی فضایل اخلاقی در خانواده، روش عملی به دلیل کاربردی بودن، از نفوذ و تأثیر گذاری فراوانی برخوردار است. در بعد اخلاق فردی ارزش های اخلاقی مربوط به حیات فردی انسان ها است که آدمی را فارغ از رابطه با غیر در نظر می گیرد؛ مانند: فضیلت ها، صبر، پاک دامنی، اخلاص، دوری از اسراف و تبذیر، عزت نفس و رذیلت های حسد، پیروی از هوای

۱. سوره بقره، آیه ۲۰۵.

نفس، شتاب زدگی، پُرخوری. در اخلاق فردی باید‌ها و نبایدهای شخصی را خود فرد به صورت وضع قوانینی برای خود، مشخص می‌کند و اینجاست که انتخاب و آگاهی معنا می‌یابد. در بعد رابطه با خالق می‌توان گفت وقتی از وظایف اخلاقی انسان نسبت به آفریدگار و رابطه انسان با آفریدگار بحث می‌کنیم، در مورد اخلاق الهی سخن گفته‌ایم. فضایی مانند: ایمان، پرستش، عبودیت و خشوع در این قسم جای می‌گیرد. نکته درخور توجه در پرورش و نهادینه‌سازی فضایل اخلاقی درباره اخلاق در عرصه تعامل با دیگران است. صحنه اجتماع عرصه تعاملات گسترده‌ای است که انسان فرصت می‌یابد فضایل اخلاقی را در خویش نهادینه نموده و به خودسازی بپردازد.

روش خویشنداری

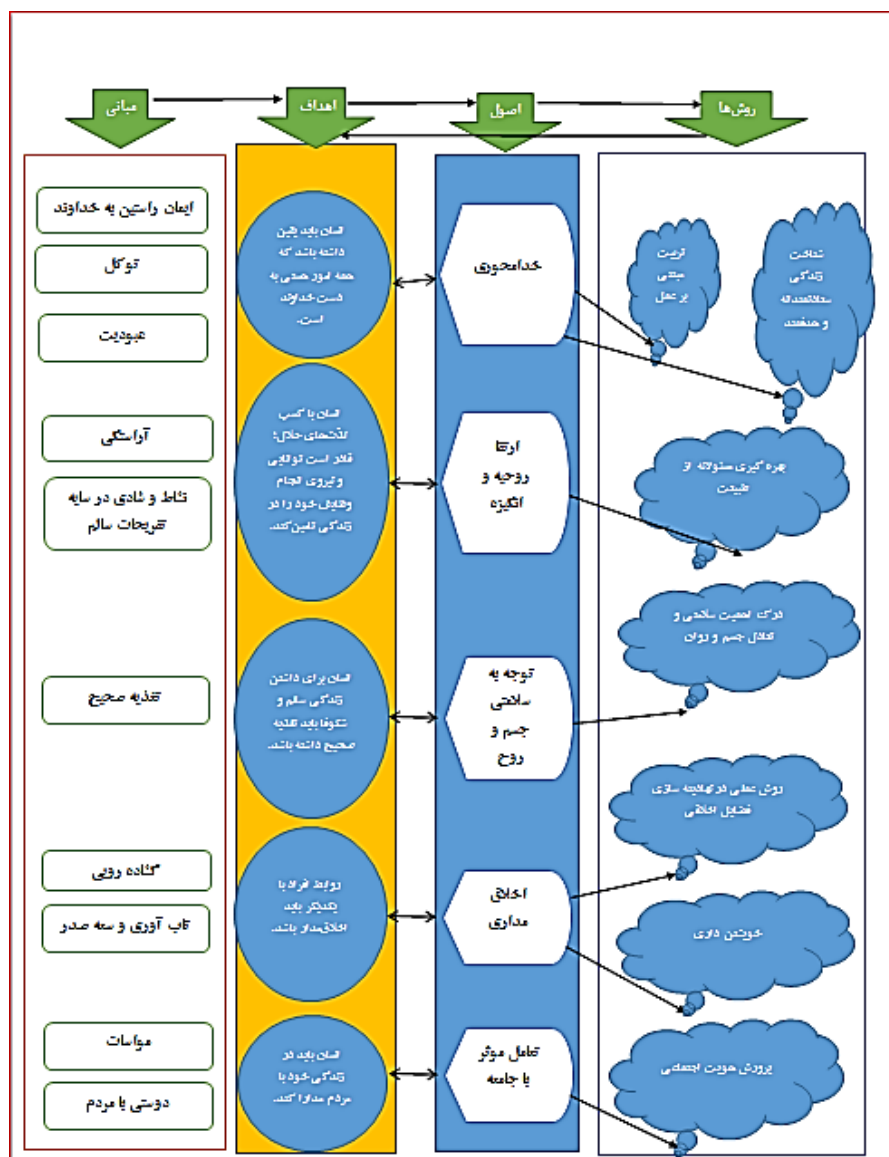
خویشنداری اولین نمود پرورش یافتگی در محیطی سرشار از ارزش‌های انسانی است. همان‌گونه که اشاره شد، باید از افراط‌گری از پرداختن به حوزه دانشی اجتناب ورزید و بر کسب شایستگی‌ها و صلاحیت‌های مشتمل بر نگرش و مهارت روی آورد. در راستای این روش فرد خویشندار قادر است احساسات خود را در هر حالتی کنترل کند. برای نمونه زمانی که چیزی او را به خشم وامی‌دارد، با کنترل خشم بر احساسات خود غلبه می‌کند و در هر حال تصمیمات منطقی و درست می‌گیرد. علاوه بر آن خویشنداری اعتماد به نفس فرد را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود فرد قضاوت‌های صحیحی در زندگی خود داشته باشد. در این زمینه روش‌های دیگری مانند مسئولیت‌پذیری، قدرت انتخاب، صلح‌طلبی، انسان‌دوستی، طبیعت‌دوستی و احترام به شأن انسانی فارغ از نژاد و ملیت معرفی می‌شود.

روش پرورش هویت اجتماعی

این مقوله با نگاهی به انسان، به عنوان موجودی اجتماعی، به شکل‌گیری شخصیت انسانی و فراهم شدن شرایط رشد او در جامعه اشاره دارد. رفتار امام رضا(ع) با فرزندش حکایت از اهمیت ایشان به پرورش هویت اجتماعی دارد. برای مثال زمانی که حضرت در مرو بود، نامه‌ای به فرزندش امام جواد(ع) نوشت و خواست تا فرزندش در بین مردم رفت‌وآمد کند و زر و سیم با خود داشته باشد و انفاق کند. در بحث توسعه هویت اجتماعی افراد، در نگاه اسلامی صرفاً حضور در جامعه و پذیرش مسئولیت اجتماعی نبوده بلکه باید افراد به درکی از این مسئله برسند که پیامد

هویت اجتماعی در حیات اخروی نیز اثرگذار است. این گونه تمامی تعاملات و فعالیت‌های اجتماعی افراد در راستای هدف خلقت قرار گرفته و رشد فردی و اجتماعی را باعث می‌شود. تمامی عرصه‌های تربیت، در راستای تکوین و تعالی هویت است. هویت ابعاد گوناگونی دارد که یک بعد آن، بعد اجتماعی هویت است. هویت اجتماعی فرد در هنگام ارتباطات و تعاملات اجتماعی او با دیگران شکل می‌گیرد. والدین با زمینه‌سازی برای گفت‌وگو و مفاهمه فرزندان در جمع خانواده و دوستان، دایره تعاملات اجتماعی آن‌ها را گسترش می‌دهند. نکته توجه‌برانگیز در این باره آن است که هرچه خودانگاره فرد مثبت باشد، گرایش فرد به هویت جمعی در سطح محلی، ملی و جهانی افزایش می‌یابد. فرد در سایه پرورش هویت اجتماعی «هم‌زیستی اجتماعی» را می‌آموزد. اینکه چگونه در کنار افراد دیگر با آرامش و امنیت خاطر زندگی کند.

در این باره امام رضا (ع) بر احساس مسئولیت نسبت به جامعه نیز تأکید داشتند و در خصوص رفع اندوه از مؤمن فرموده‌اند: مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ فَرَجَ اللَّهُ عَنْ قَلْبِهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ: هر کس از مؤمنی گره بگشاید، خداوند در روز رستاخیز، از دل وی گره خواهد گشود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ۳۲۱).



شکل ۱. الگوی مفهومی تربیت مبتنی بر دیدگاه امام رضا (ع)

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

طبیعت و بافت وجودی انسان، به گونه‌ای است که برای حرکت در مسیر تکامل و تعالی انسانی؛ نیازمند تربیت صحیح است و اگر تربیت نشود ممکن است از مرتبه حیوانی فروتر رود. در این پژوهش، الگوی مفهومی تربیت از دیدگاه امام رضا (ع)، به عنوان هدف مطالعه شد. بر اساس مبانی، اهداف، اصول و روش‌های مستخرج، الگوی مفهومی تربیت ترسیم گردید. نتایج پژوهش در قالب الگوی مفهومی نشان داد که اصول و روش‌های استنتاج شده از دیدگاه امام رضا (ع)؛ شامل پنج اصل و هفت روش است. این الگو بسیاری از ابهامات را در خصوص تربیت انسانی از منظر سیره امام رضا (ع) به زبانی ساده و رسا برطرف نموده است. می‌توان گفت این الگو ترسیمی از یک انسان آرمانی در تعالیم اسلامی؛ متناظر با سیره امام رضا (ع) بوده است و قابلیت آن را دارد که برای روش تربیت مورد استفاده قرار گیرد. در اصل خدامحوری، آنچه حائز اهمیت است این است که خانواده برای رسیدن به زندگی سعادت‌مندانه لازم است آنچه را که مقتضای عبودیت و بندگی است و از خداوند و به طریق پیامبران الهی به ما رسیده، فراگیرند و آن را پیشه راه زندگی خود سازند. به دنبال این مسئله، نگاه ابزاری به انسان و قابلیت‌های او را تا سرحد کالا و شیء تنزل می‌دهد. احیاء ارزش‌های دینی و اهمیت به تربیت دینی راه برون‌رفت از این چالش‌هاست. جامعه‌شناسان و روان‌شناسان امور متعددی مانند رنج کشیدن‌ها، ناکامی‌ها، شکست‌ها و ناتوانی تفسیر آن‌ها را از جمله عوامل درونی و اجتماعی مهم پوچ‌انگاری می‌دانند. در این میان به نظر می‌رسد که «مهم‌ترین عامل این معضل، ضعف یا عدم ایمان دینی باشد؛ انسانی که خدا را فراموش نموده است، به تعبیر قرآن کریم، حقیقت خود را فراموش نموده است و روشن است که آن که خود را گم کرده باشد، زندگی برایش بی‌معنا خواهد بود» (والتر.تی. استیس، ۱۳۷۳: ۱۰۹).

در اصل «ارتقا روحیه و انگیزه» روایات نشان می‌دهد که استدلال حضرت رضا(ع) در خصوص ضرورت دانستن تفریحات سالم، نشاط و سرزندگی و تجدیدقوا بوده است. بدیهی است که نشاط و سرزندگی در ارتقاء کیفیت زندگی نقش اساسی دارد و یکی از عوامل زندگی سعادتمندانه به حساب می‌آید. دین اسلام دینی همه‌جانبه نگر است و برای سلامتی و سرزندگی آدمی نیز برنامه دارد. در سیره حضرت رضا(ع) تغذیه صحیح علاوه بر پیشگیری از بسیاری از بیماری‌ها، در تربیت نقش اساسی دارد و جسم و روح و روان انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. باینکه تصریح حضرت بر این امر در «رساله ذهبیه»؛ توصیه‌ای اقتضایی تلقی می‌شود، اما سؤال این است که چگونه در وضعیت حاضر، با وجود بیماری‌های گوناگونی که دلیل اکثر آن‌ها نوع تغذیه افراد است، پدران و مادران با علم به موضوع همچنان دستورهای غذایی مضر را به کار می‌گیرند و مسئولان امر نیز در امر نظارت، عکس‌العمل مناسبی نشان نمی‌دهند.

اصل دیگر با عنوان «اخلاق‌مداری» به عنوان یک رویکرد اساسی خود را نشان داده است. مبنای مشروعیت اخلاقی حضرت رضا(ع) از منبع لایزال الهی و بر طبق شریعت بوده است. این مبنا یک نکته اساسی برای الگوی تربیتی به شمار می‌آید؛ چرا که وقتی آب‌شخور عملی، الهی بوده باشد، یقیناً آن عمل بر اساس فطرت انسانی شکل گرفته و برای تحقق زندگی سعادتمندانه که همان حیات طیبه است یک اصل به شمار می‌آید، علی‌الخصوص در دنیای امروز، در سایه وابستگی شدید انسان به فناوری و گاهی فاصله گرفتن از معنویات، انسان به سوی انحطاط اخلاقی سوق داده شده و هنجارهای اخلاقی را که معلول نیروی درونی و وجدان اخلاقی است، زیر پا گذاشته است.

یکی دیگر از اصول تربیت «تعامل مؤثر با جامعه» است. رفتار حضرت رضا(ع) با تکیه بر واقع‌گرایی و با توجه به حقایق زندگی مبتنی بر رؤفت و دوستی با مردم شکل گرفته بود. این مسئله یکی از نکات اساسی موفقیت حضرت در راهبری مردم بود و یکی از مؤلفه‌های ضروری برای الگوی تربیتی است. از آنجا که بخشی از ناهنجاری‌های اجتماعی بازتاب هویت اجتماعی سرگردان و پرورش نیافته است، پرورش هویت

اجتماعی اهمیت می‌یابد. به‌طور کلی انگاره زندگی خوب در پرتو تعالی انسانی شکل می‌گیرد و روح پایان‌ناپذیر انسان با رسیدن به غایت زندگی سیراب می‌شود. در سیره امام رضا(ع)، غایت مطلوب زندگی انسان، خدا و بندگی اوست. در این بعد از تربیت، سیره امام مبتنی بر روش عملی بود.

مؤلفه‌های الگوی مفهومی تربیت در این پژوهش؛ با رویکردی کاربردی و اثرگذار؛ بر مسائل و نیازهای روز توجه نموده است و نوآوری پژوهش نیز همین بوده است. به این اساس، می‌توان از مؤلفه‌های الگو به‌عنوان یکی از روش‌های تربیت استفاده نمود. معرفی الگوهای تربیتی شایسته و شیوه‌های تربیت صحیح در خانواده؛ از طریق سیاست‌گذاری در نهادهای تربیتی؛ مانند رسانه و کاهش فاصله میان سخن و عمل الگوهای تربیتی؛ ازجمله پیشنهادهای کاربردی این پژوهش است.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه محسن قرائتی.
- ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسین قمی، (۱۳۷۸)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، به تحقیق و تصحیح مهدی لاجوردی، ج ۲، تهران: جهان.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۷). معانی الأخبار، ترجمه عبدالعلی محمدی شاهرودی، ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). أمالی شیخ صدوق، ترجمه محمدباقر کمره ای، ج ۶، تهران: کتابچی.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی، (۱۳۷۳)، ترجمه و متن عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران: صدوق.
- ابن بابویه، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین قمی، (۱۴۰۴)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج اول و دوم، بیروت: اعلمی.
- ابن شعبه الحرانی، ابی محمد حسن، (۱۳۷۶)، تحف العقول، ترجمه محمدباقر کمره ای، ج ۶، قم: کتابچی.
- ایمان، محمد تقی و نوشادی، محمود رضا، (۱۳۹۰)، تحلیل محتوای کیفی، عیار پژوهش در علوم انسانی، ۳(۲)، ۴۴-۱۵.
- ایوانزتی، دیوید و دیگران، (۱۳۸۰)، «بررسی مجدد رابطه دین و جرم: کنترل های غیردینی و محیط اجتماعی بر بزهکاری بزرگسالان»، ترجمه علی سلیمی، روش شناسی علوم انسانی، شماره ۲۳، ۱۴۲-۱۷۸.
- باردن، لورنس (۱۳۷۵)، تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- بناری، علی همت، (۱۳۹۷)، «الگوی تربیت فرزند بر مبنای تحلیل و تفسیر سوره لقمان»، دو فصلنامه آموزه های تربیتی در قرآن و حدیث، ۴(۲)، ۴۱-۶۰.
- پولادی، اسماعیل؛ جهان بخش، اسماعیل و محمدی، اصغر، (۱۳۹۷)، پیش بینی صمیمیت زوجین از طریق الگوهای تربیت خانوادگی (سبک های فرزند پروری، جهت گیری مذهبی، الگوهای انسانی و رسانه ای تربیت خانوادگی)، پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، ۶(۲)، ۹۷-۱۱۱.
- جعفری تبریزی، محمد تقی، (۱۳۸۶)، فلسفه و هدف زندگی، چاپ هفتم، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۱)، مفاتیح الحیات، ج ۹۵، قم: اسرا.
- حاجی بابایی، حمیدرضا (۱۳۹۸)، تصویر زیبایی شناسانه نقش الگوی تربیتی توحیدی از منظر قرآن و حدیث، نشریه پژوهش های اعتقادی کلامی (علوم اسلامی) تهران، ۹(۳۵)، ۱۷۳-۱۹۴.
- حکیمی، محمد، (۱۳۸۸ الف)، فراهایی از سخنان امام رضا(ع)، ج ۱، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، (۱۴۱۳)، قرب الاسناد، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.

- خوانین زاده، محمدحسین؛ شریفی، عنایت‌الله و فاضل‌نیا، محمد، (۱۳۹۵)، «جایگاه و آثار باور به خدا در سبک زندگی خانوادگی از منظر قرآن و روایات»، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، ۷(۲۵)، ۷-۳۲.
- خوشناموند، محسن؛ فیاض، ایراندخت؛ سلحشوری، احمد و طایفی، شیرزاد، (۱۴۰۰)، تبیین مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت حماسی در شاهنامه فردوسی (برای نظام تعلیم و تربیت رسمی)، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۹(۵۰)، ۱۷۷-۲۰۵.
- دسترنج، منصوره، (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه ویژگی‌های خانواده با جامعه‌پذیری فرزندان»، زن و مطالعات خانواده، ۶(۲۲)، ۷۹-۹۸.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۹۱)، صحیفه صحت: نامه طلایی امام رضا علیه‌السلام، مشهد: آستان قدس رضوی.
- رفیعی، بهروز، (۱۳۹۲)، مربیان بزرگ مسلمان، تهران: سمت.
- زاهری، احسان (۱۳۸۷)، اندیشه‌های رضوی، قم: الطیار.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰)، دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان.
- سلیمی، علی (۱۳۹۷)، «کاربرد تحلیل محتوای کیفی در استخراج تحلیل‌های اجتماعی قرآن کریم: گزارشی تحلیلی از روش یک تحقیق»، فصلنامه علمی پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۲۴، شماره ۹۷، ۷۵-۹۹.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، (۱۳۹۰)، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، (۱۴۲۹)، الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر، ج ۱، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- شارجیبیان، هاجر و ارشد ریاحی، علی، (۱۳۹۴)، معناداری زندگی از دیدگاه ملاصدرا، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۱۴ق)، الامالی، ج ۱، قم: دار الثقافة.
- عسکری‌پور، زهرا؛ نجفی، محمد و نوروزی، رضا علی (۱۳۹۹)، «مفهوم‌شناسی محیط در قرآن کریم و نقش تربیتی آن»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۸(۷۴): ۶۲-۳۳.
- علی بن موسی‌الرضا(ع)، (۱۳۸۱)، طب الرضا، طب و بهداشت از امام علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام، ترجمه نصیرالدین امیر صادقی، تهران: معراجی.
- علی بن موسی‌الرضا (ع)، (۱۳۸۵)، طب الرضا، ترجمه نصیرالدین امیر صادقی، ج دوم، مشهد: ضامن آهو.
- علی بن موسی‌الرضا(ع)، (۱۳۸۸)، طب الرضا، ترجمه احمد بانپور، تهران: جواهری.
- قائم‌مقدم، محمدرضا، (۱۳۸۲)، «روش‌الگوی در تربیت اسلامی»؛ معرفت، شماره ۶۹.
- قرشی، باقر شریف، (۱۳۸۲)، پژوهشی دقیق در زندگی علی بن موسی‌الرضا، ترجمه سید محمد صالحی، تهران: دارالکتب اسلامیه.

- کاردان، علی محمد، اعرافی، علیرضا، پاک سرشت، محمدجعفر، حسینی، علی اکبر و ایرانی، حسین، (۱۳۸۲)، فلسفه تعلیم و تربیت (درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی)، ج ۱، تهران: سمت.
- کلباسی، حسین و الهیان، مجتبی و محرابی، الهام، (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی اندیشه اخلاقی ارسطو و خواجه نصیرالدین طوسی، فلسفه دین، ۱۳(۳).
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵)، اصول کافی، ج ۴، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، قم: اسوه.
- کلینی رازی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، الاصول من الکافی، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۴، ج ۵، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (ع)، ج ۲ و ۱۰ و ۴۹ و ۵۷ و ۶۲ و ۷۱ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۸ و ۷۹، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۰)، انسان سازی در قرآن، به تدوین محمد فتحعلی، چ سوم، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مظاهری، حسن، (۱۳۹۴)، واکاوی اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش از منظر توجه به سبک زندگی اسلامی، دومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در علوم انسانی، تهران: مؤسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا،
- https://www.civilica.com/Paper-MRHCONF02-MRHCONF02_353.html
- منسوب به امام رضا (ع)، (نشر ۱۴۰۶ قمری)، فقه الرضا، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- مهدی زاده، حسین، (۱۳۸۲)، «آموزه های اسلامی در باب تقلید از الگوها (با تأکید بر دوره جوانی)؛ معرفت، شماره ۶۷.
- نقیب زاده، میر عبدالحسین، (۱۳۸۶)، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، ج ۲۱، تهران: طهوری.
- نوابی نژاد، شکوه، (۱۳۸۰)، سه گفتار درباره راهنمایی و تربیت فرزندان، چ ۷، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- نوربخش، یونس و اویسی فردویی، قاسم (۱۳۹۵)، «دین داری و الگوی تربیتی خانواده (بررسی تأثیرات خانواده بر رفتار دینی نوجوانان در شهر تهران)»، بررسی مسائل اجتماعی ایران (نامه علوم اجتماعی)، ۱۷(۱)، ۲۸۳ - ۳۱۴.
- والتر، تی. استیس، (۱۳۷۳)، در بی معنایی معنا هست، ترجمه اعظم پویا، نقد و نظر، ۸(۲ و ۱).
- هرمان، چارلز، (۱۳۹۳)، سیاست گذاری خارجی و پافشاری بر خطا، ترجمه علیرضا طیب، تهران: ابرار معاصر.
- Azarnioshan Behzad, Habibollah Naderi, Ali Asghar Shojaee and Askar Asghariganji (2019). The Mediating Role of Resilience in the Relationship Between Perceived Parenting Styles and Anger Management. intjsh.com. ; 6(3):e95048. doi: 10.5812/intjsh.95048
- Heni, Nurhaeni; Dinarti and Dwi Priharti1. (2016). The Family Parenting Influenced Adolescent Brawls Behavior. International Journal of Evaluation and Research in Education. v5, n2, p126-134.
- Kirby James N. (2019). Nurturing Family Environments for Children: Compassion-Focused Parenting as a Form of Parenting Intervention. School of Psychology, The University of

- Queensland, Brisbane 4072, Australia. Educ. Sci. 2020, 10, 3; doi:10.3390/educsci10010003.
- Milgram, R.M., (1990), Teaching gifted and talented learners in regular Classrooms. U.S.A.
- Nanri A, Kimura Y, Matsushita Y, Ohta M, Sato M, Mishima N, et al (2010). Dietary patterns and depressive symptoms among Japanese men and women. Eur J Clin Nutr; 64(8): 832-9.
- Perry, B. 1997. Incubated in terror: Neurodevelopmental factors in the cycle of violence. In Children, Youth and Violence: Searching for Solutions, edited by Joy D. Osofsky. New York, NY: The Guilford Press.
- Stephen J. Bavolek, John J. Wilson (2000). The Nurturing Parenting Programs. U.S. Department of Justice Office of Justice Programs Office of Juvenile Justice and Delinquency Prevention.
- Straus, M. A. (1991). Discipline and deviance: Physical punishment of children and violence and other crime in adulthood. Social Problems, 38(2), 133-154.



تخطيط نموذج مفاهيمي للتربية مبتنئاً على وجهة نظر الإمام الرضا (عليه السلام)

رابعه الهراتى^١ | على رضا المحمودنيا^٢ | أكبر الصالحى^٣ | سوسن الكشاورزى^٤

الملخص

أحد اهتمامات المجتمع اليوم هو كيفية التربية. في هذا الصدد، فإن الغرض الأساسي من هذه الدراسة هو تخطيط نموذج مفاهيمي للتربية بناءً على وجهة نظر الإمام الرضا (ع). طريقة البحث هي تحليل المحتوى بنهج كفي واستنتاجي. كانت الوحدات الدراسية لهذا البحث عبارة عن وثائق و نصوص تتعلق بمجال التربية من منظور الإمام الرضا (ع). بناءً على نتائج البحث لعشر أسس، تم الحصول على خمسة مبادئ وسبع طرق لرسم النموذج المفاهيمي للتربية. في هذا النموذج من التربية، تم تحديد المبادئ بما في ذلك مراقبة مركزية الله، وتعزيز الروح و التحفيز، والاهتمام بصحة الجسد والروح، والتمحور على الأخلاق والتفاعل الفعال مع المجتمع. تضمنت الأساليب المتوافقة مع المبادئ التعرف على الحياة السعيدة والهادفة، وطريقة التربية القائمة على العمل، والاستخدام المسؤول للطبيعة، وفهم أهمية الصحة والتوازن الجسدي والعقلي، وإضفاء الطابع المؤسسي على الفضائل الأخلاقية، وضبط النفس، وتنمية الهوية الاجتماعية. من بين المقترحات العملية لهذا البحث تقديم نماذج وأساليب تربوية مناسبة و التربية السليمة في الأسرة، من خلال صنع السياسات في المؤسسات التعليمية مثل وسائل الإعلام وتقليص الفجوة بين أقوال وأفعال النماذج التربوية.

الكلمات الرئيسية: نموذج مفاهيمي، التربية، وجهة نظر الإمام الرضا (ع).

٥٤

المجلد ٣٠
ربيع ١٤٤٣

ورقة البحث

الواردة:
١٤ ذوالحجّة ١٤٤١
المقبولة:
١٢ صفر ١٤٤٣
صن: ١٧٨-١٤١



DOR: 20.1001.1.22516972.1401.30.54.6.1

١. الكاتبة المسؤولة: مرب، قسم العلوم التربوية، مجموعة الشهيد الهاشمي التجاد، جامعة الفهرنكيان، المشهد، إيران.

Ra_harati@yahoo.com

٢. أستاذ مشارك، قسم فلسفة التعليم و التربية، كلية علم النفس وعلوم التربية، جامعة الخوارزمي، طهران، إيران.

٣. أستاذ مشارك، قسم فلسفة التعليم و التربية، كلية علم النفس وعلوم التربية، جامعة الخوارزمي، طهران، إيران.

٤. أستاذة مشاركة، قسم فلسفة التعليم و التربية، كلية علم النفس وعلوم التربية، جامعة الخوارزمي، طهران، إيران.

Designing a Conceptual Model of Education Based on Imam Reza's (AS) Perspective

Rabea Herati ¹ | Alireza Mahmoudia ² | Akbar Salehi ³ | Susan Keshavarz ⁴

Abstract

Nowadays, manner of education is one of the concerns of society. In this regard, the present study mainly aims at designing a conceptual model of education based on the perspective of Imam Reza. (AS). The research method is content analysis with a qualitative and inferential approach. The study units of this research comprise documents and literature pertaining to the field of education from the perspective of Imam Reza (AS). Based on the research findings, ten bases, five principles and seven methods were obtained that depicted the conceptual model of education. In this education pattern, principles such as observance of God-centeredness, promotion of spirit and motivation, attention to the health of body and soul, ethics-orientation and effective interaction with society were determined. Methods corresponding to principles included recognizing a blissful and purposeful life, method of action-based education, responsible use of nature, understanding the importance of health and physical and mental balance, institutionalization of moral virtues, self-control, and cultivating social identity. Introducing competent educational models and methods of proper upbringing in the family through policy-making in educational institutions namely, the media and reducing the speech-action gap of educational models are among the practical suggestions of this research.

Keywords: Conceptual Model, Education, Imam Reza's Perspective.

54

Vol. 30
Spring 1401

Research Paper

Received:
4 August 2020
Accepted:
19 September 2021
P.P: 141-178



DOR: 20.1001.1.22516972.1401.30.54.6.1

1. Corresponding Author, Instructor, Department of Educational Sciences, Shahid Hasheminejad Campus, Farhangian University, Mashhad, Iran. Ra_harati@yahoo.com

2. Associate Professor, Department of Philosophy of Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

3. Associate Professor, Department of Philosophy of Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

4. Associate Professor, Department of Philosophy of Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.